



Received:
2024-05-16
Revised:
2024-07-22
Accepted:
2024-12-27
Published:
2024-12-27

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



UAE military strategy and its impact on defense -military security of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf

Mohammad Reza Hedayati¹ | Amir Pourshirmohamadi²

Abstract

The West-Asian region, and especially the Persian Gulf, has complexities that can no longer play a role in a hegemonic one. Transnational powers have relying on their regional partners in order to be able to implement their policies in the region and reduce the costs of direct presence and intervention in regional tensions. Among these partners, Saudi-Arabia and UAE are considered to be two important countries in regional cooperation for trans-regional powers due to their geopolitical position. The UAE by pursuing policies such as; Concluding military treaties with Western countries and transferring military bases to them, playing an active role in the development of the US missile defense system in the region, holding a joint combat with world powers, the presence of UAE military in international missions, efforts to purchase strategic military equipment, diversification To the sources of military weapons, pursuing self-sufficiency policy in weapons production, military presence in regional crises, etc., seeking to increase influence in the West-Asian region and play a more vibrant role than its identity and become a limited regional power. Using the descriptive-analytical method, this study analyzed the data and concluded that the UAE's military strategy is based on Western-doctrine and military policies, especially the USA, and is trying to increase the increasing power of the forces. By using all existing resources and capacities to play an effective role in regional policies the armed forces to transform the country's military forces into a modern wave army that relies on knowledge and technology especially in intelligence-artistic

Keywords: Military Strategy; UAE; Coalition and Military Unity and Defense-Security.

1. Assistant Professor, Imam Hossein University, Tehran, Iran

2. Corresponding author: Master's degree student in Strategic Intelligence, Department of International Studies, Faculty of the Prophet, Imam Hussein University, Tehran, Iran

a.pourshirmohamadi@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.65.5.6





۶۵

سال هفدهم
زمستان ۱۴۰۳
صص: ۱۷۹-۱۴۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



«آفاق امنیت»

استراتژی نظامی امارات متحده عربی و تأثیر آن بر امنیت دفاعی - نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس

محمد رضا هدایتی^۱ | امیرپور شیرمحمدی^۲

چکیده

منطقه غرب آسیا و به‌ویژه حوزه خلیج فارس آن دارای پیچیدگی‌هایی است که دیگر به‌تنهایی هیچ قدرتی نمی‌تواند مانند یک هژمون در آن به ایفای نقش بپردازد. قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای اینکه بتوانند سیاست‌های خود را در منطقه اجرا نمایند و از طرفی هزینه‌های ناشی از حضور و مداخله مستقیم در تنش‌های منطقه‌ای را کاهش دهند به شرکای منطقه‌ای خود، اتکاء نموده‌اند. در میان این شرکاء، عربستان و امارات به‌علت موقعیت ژئوپلیتیکی که دارند دو کشور مهم در همکاری منطقه‌ای برای قدرت‌های فرا منطقه‌ای محسوب می‌گردند. امارات با پیگیری سیاست‌هایی همچون؛ انعقاد پیمان‌های نظامی با کشورهای غربی و واگذاری پایگاه‌های نظامی به آن‌ها، ایفای نقش فعال در توسعه سامانه دفاع موشکی یکپارچه مدنظر آمریکا در منطقه، افزایش همکاری با ناتو، برگزاری رزمایشات مشترک با قدرت‌های جهانی، حضور نظامیان اماراتی در مأموریت‌های بین‌المللی، برگزاری کنفرانس‌های نظامی - امنیتی بین‌المللی، تلاش برای خرید تجهیزات نظامی راهبردی، تنوع‌بخشی به منابع خرید تسلیحات نظامی، پیگیری سیاست خودکفایی در تولید تسلیحات نظامی، حضور نظامی در بحران‌های منطقه‌ای و ...، به دنبال افزایش تأثیرگذاری در منطقه غرب آسیا و ایفای نقش پررنگ‌تر از هویت و جایگاه واقعی خود در عرصه منطقه و بین‌الملل و تبدیل شدن به یک قدرت محدود منطقه‌ای است. امارات با تعیین این چشم انداز که از نظر قدرت نظامی در منطقه خلیج فارس قدرت اول باشد و بتواند از این قدرت افکنی نظامی در دستیابی به اهداف سیاسی در منطقه غرب آسیا استفاده کند، برنامه‌های توسعه نظامی خود را تدوین کرده است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده که استراتژی نظامی امارات کاملاً بر مبنای دکترین و سیاست‌های نظامی غربی به‌ویژه آمریکا بنا نهاده شده است و در تلاش است در راستای افزایش روزافزون قدرت نیروهای مسلح با به‌کارگیری همه منابع و ظرفیت‌های موجود به منظور ایفای نقش اثرگذار در سیاست‌های منطقه‌ای، نیروهای نظامی این کشور را به یک ارتش مدرن کارآمد تبدیل نماید.

کلیدواژه‌ها: استراتژی نظامی، امارات متحده عربی، ائتلاف و اتحاد نظامی و امنیت دفاعی - نظامی

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اطلاعات استراتژیک، گروه مطالعات بین‌الملل، دانشکده پیامبر اعظم^(ص)،

a.pourshirmohamadi@gmail.com

دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.65.5.6



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

بی‌شک خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مناطق اثرگذار بر امنیت جهانی است. وجود بزرگ‌ترین منابع انرژی نفت و گاز جهان، بازار مصرف ۱۵۰ میلیون نفری و رقابت قدرت‌های اقتصادی جهان برای کسب دلارهای نفتی این منطقه، موقعیت جغرافیایی و محور اتصال میان سه قاره اروپا، آفریقا، آسیا؛ غربی، جنوبی، جنوب‌شرقی و میانه از دلایل اهمیت این منطقه است. دستیابی و تسلط بر این منطقه همواره عامل رقابت میان قدرت‌های جهانی در طول تاریخ بوده است.

آمریکا خلیج فارس را همواره بخشی حیاتی برای امنیت ملی خود دانسته و دولت‌های مختلف آمریکا در طول تاریخ در هر دوره‌ای، استراتژی خاصی برای تأمین منافع خود در این منطقه داشته‌اند. در حال حاضر آمریکا، سیاست تداوم حضور به‌همراه افزایش مشارکت کشورهای منطقه‌ای برای حل بحران‌ها را در دستور کار قرار داده است و هدف از اجرای این سیاست، مهار فعالیت‌های منطقه‌ای و توانمندی‌های ایران به‌ویژه قدرت موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران با کم‌ترین هزینه، بیان شده است. میزان درگیری، سطح و عمق عملکرد و تأثیرگذاری آمریکا در این منطقه با دیگر بازیگران فرامنطقه‌ای قابل مقایسه نیست. آمریکا همچنان در تلاش است تا با گسترش حوزه هژمونی خود در ساختار امنیتی این منطقه، بر این شاهراه جغرافیایی جهان، تسلط مطلق یابد.

کشورهای منطقه‌ای نیز هر یک استراتژی خود را برای دستیابی به منافع ملی در این منطقه دارند. همه کشورهای حوزه خلیج فارس به غیر از جمهوری اسلامی ایران استراتژی امنیتی خود را مبتنی بر برون‌سپاری امنیت و وابستگی به قدرت‌های بزرگ در کنار ایجاد ائتلاف برای امنیت دسته جمعی (شورای همکاری خلیج فارس) قرار داده‌اند. شورای خلیج فارس که به عنوان نماد امنیت دسته جمعی در سال ۱۹۸۱م توسط شش کشور بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به‌طور رسمی تأسیس گردید، با توجه بر خورده‌اری از جایگاه استراتژیک در جنوب غرب آسیا و درآمدهای حاصل از فروش منابع عظیم طبیعی نفت و گاز، به‌عنوان عامل اثرگذار جهان عرب در این منطقه محسوب می‌شود. در حالی که هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بیشتر تمایل دارند به‌صورت انفرادی با قدرت‌های غربی به‌ویژه

آمریکا پیمان‌های جداگانه‌ای داشته باشند، اما ترجیح آمریکا به همکاری با یک بلوک واحد در قالب شورای همکاری خلیج فارس است (کاتزمن، ۲۰۲۲) زیرا کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به مشکلات ژئوپلیتیکی، به صورت انفرادی از نظر نظامی تاثیر چندانی بر امنیت منطقه ندارند.

اهمیت منطقه استراتژیک خلیج فارس برای کشورهای عضو ناتو، این سازمان را بر آن داشته تا با مشارکت فعال در این منطقه، با هدف درگیر ساختن کلیه کشورهای منطقه در یک پیمان امنیتی، بتواند در درازمدت با ایجاد یک چارچوب امنیتی، تنش‌ها و درگیری‌های تاریخی و جغرافیایی را کنترل نماید. ناتو نیز براساس استراتژی توزیع و ترویج ثبات در همسایگی ناتو و مناطق پیرامونی، در تلاش است با انعقاد پیمان‌های دفاعی و نظامی، حضور خود را در منطقه خلیج فارس افزایش دهد. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۶۳) کشورهای انگلیس و فرانسه نیز به صورت جداگانه با انعقاد پیمان‌های نظامی و امنیتی با کشورهای منطقه و احداث پایگاه به دنبال افزایش نفوذ خود در این منطقه استراتژیک هستند.

پیچیدگی‌های منطقه غرب آسیا و به ویژه خلیج فارس بگونه‌ای است که در حال حاضر هیچ بازیگری به تنهایی نمی‌تواند نقش هژمون را در آن ایفا نماید و قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تأمین منافع خود در منطقه و کاهش هزینه‌های ناشی از حضور و مداخله مستقیم در تنش‌ها، به شرکای منطقه‌ای خود اتکاء نموده‌اند. در میان این شرکای منطقه‌ای، کشورهای عربستان و امارات با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که دارند، دو عضو کلیدی در همکاری منطقه‌ای برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای محسوب می‌گردند. رهبران این دو کشور (به ویژه عربستان) با درک افول قدرت هژمونی آمریکا و غرب، به دنبال همکاری با قدرت‌های نوظهور و استقلال نسبی در اجرای سیاست‌های خود نسبت به غرب در منطقه هستند. بنابراین با وجود اهمیت استراتژی نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امنیت خلیج فارس، بررسی استراتژی نظامی کشورهای امارات و عربستان در منطقه نسبت به قبل، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

امارات با پیگیری سیاست‌هایی همچون انعقاد پیمان‌های نظامی با کشورهای غربی و واگذاری پایگاه‌های نظامی به آن‌ها، ایفای نقش فعال در توسعه سامانه دفاع موشکی یکپارچه مد نظر آمریکا در منطقه، افزایش همکاری با ناتو، برگزاری رزمایشات مشترک با قدرت‌های جهانی، حضور

نظامی در مأموریت‌های بین‌المللی، برگزاری کنفرانس‌های نظامی-امنیتی بین‌المللی در منطقه، تلاش برای خرید تجهیزات رزمی راهبردی، تنوع بخشی به منابع خرید تسلیحات نظامی، پیگیری سیاست خودکفایی در تولید تسلیحات نظامی، حضور نظامی در بحران‌های منطقه‌ای، دیپلماسی نظامی فعال و ...، به دنبال افزایش تأثیرگذاری در منطقه غرب آسیا و ایفای نقش پُررنگ‌تر از هویت و جایگاه واقعی خود در عرصه منطقه و بین‌الملل و تبدیل شدن به یک قدرت محدود منطقه‌ای است. (مرادپیری، ۱۳۹۹)

از آنجا که امارات متحده عربی یک کشور تازه تأسیس با سابقه تاریخی محدود بوده است و فرایند دولت-ملت‌سازی به درستی در آن شکل نگرفته و اکثریت جمعیت آن را مهاجرین تشکیل می‌دهند، بنابراین از ابتدای شکل‌گیری این کشور حاکمان آن تلاش نموده با تهدید جلوه‌دادن ایران برای خود، بتواند با ایجاد همبستگی و انسجام داخلی میان امارت‌ها، از این طریق، بحران هویت موجود در پایداری و استمرار سیاسی خود را بر طرف نماید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ترس ناشی از صدور اندیشه‌های انقلابی در کنار سیاست ایران‌هراسی آمریکا، تعارض هویتی ناشی از رویکرد مثبت به غرب توسط امارات در مقابل رویکرد منفی به غرب ایران، و تعارض هویتی ناشی از اعتقاد به اسلام سیاسی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران در مقابل اعتقاد به اسلام غیر سیاسی امارت و اختلاف مرزی بر سر مالکیت جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و بوموسی باعث شد که حاکمان امارات متحده عربی، جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک تهدید واقعی ببینند و این امر عامل وجود تنش میان روابط سیاسی دو کشور بوده است.

اگرچه در حوزه روابط بین‌الملل، الگوی دوستی و دشمنی دائمی نبوده و امکان تغییر آن متصور است، اما در حال حاضر باید اذعان داشت که امارات متحده عربی، همسایه مسلمان و هم-کیش مان که با تأسف فراوان باید برادر و دوست صمیمی باشیم را به‌عنوان دوست بسیار نزدیک دشمن ما در منطقه یعنی آمریکا، برای جمهوری اسلامی ایران، غیرهمسو و غیردوست صمیمی بدانیم. با توجه به اینکه امارات متحده عربی بعد از پایان جنگ تحمیلی، همواره نقش گلوگاه اقتصادی را برای جمهوری اسلامی بازی نموده است، اتخاذ سیاست‌های درست در تعامل با امارات به‌منظور دفع تهدیدات و بهره‌برداری از فرصت‌های موجود برای تأمین منافع ملی اهمیت زیادی دارد. در اینجا این سوال مطرح می‌گردد که استراتژی نظامی امارات متحده عربی در خلیج

فارس چیست و چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی در این منطقه دارد؟ از آنجا که امارات در بین کشورهای تهدید کننده ایران در جایگاه ویژه‌ای قرار گرفته است، اهمیت بررسی استراتژی نظامی امارات از آن جهت است که شناخت آن می‌تواند منجر به تدوین سیاست‌های امنیتی و نظامی تأثیرگذار بر دفع تهدیدات از جمهوری اسلامی ایران در این حوزه گردد و ضرورت این تحقیق از آن روست که عدم انجام آن می‌تواند منجر به انتخاب سیاست‌های اشتباه و بروز خطاهای راهبردی در نحوه مدیریت امارت متحده عربی گردد.

مفاهیم و مبانی نظری

استراتژی قبل از آنکه یک واژه سیاسی باشد در طول سال‌ها یک مفهوم نظامی بوده است. ریشه این واژه، کلمه یونانی استراتژم است که خود از واژه "استراتگوس" به معنای ژنرال ارتش مشتق شده است. (ازغندی، ۱۳۹۸: ۷) قدیمی‌ترین تعریفی که از واژه استراتژی موجود است عبارتست از: هنر فرماندهان در زمینه تدابیر و حیل‌های نظامی و فرماندهی جنگ. (عزتی، ۱۳۸۴) با گذشت زمان این واژه دچار تحولات اساسی گردید. اولین بار لیدل هارت انگلیسی با انتقاد از تعریف کلوزویتس آلمانی که استراتژی را «فن به کارگیری و هدایت نبرد در جهت نیل به اهداف جنگ می‌دانست»، «استراتژی را هنر توزیع و به کارگیری وسایل و تجهیزات نظامی، برای نیل به اهداف سیاسی» تعریف نمود و این نقطه عطفی در تعریف استراتژی بود. بدین ترتیب استراتژی پا را از قلمرو نظامی فراتر نهاد و وارد حوزه‌های دیگر کشورداری و اداره حکومت شد و تمام اهداف نظام حکومتی و سایر مؤلفه‌های قدرت ملی را در بر گرفت و به بالاترین اسناد امنیت ملی کشورها و در قالب استراتژی امنیت ملی وارد شد. (هدایتی، ۱۴۰۳: ۱۴) بنابراین استراتژی نظامی، علم و هنر به کارگیری نیروهای مسلح یک ملت به منظور تأمین اهداف سیاست ملی از راه اعمال قدرت و یا تهدید به وسیله قدرت نظامی است (محمدنژاد، ۱۳۷۸: ۲۲) یا به عبارت ساده‌تر استراتژی نظامی، استفاده از نیروی نظامی در جهت تحقق اهداف ملی است. در واقع استراتژی نظامی هدایت کننده نقش عناصر نظامی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی در جهت دستیابی به اهداف ملی است. (حیدرخانی، ۱۳۷۲: ۷۳)

عوامل تعیین کننده در استراتژی نظامی را می توان در دو دسته عوامل ساختاری و عوامل نظامی طبقه بندی کرد. عوامل ساختاری شامل عناصری در نظام بین المللی و محیط داخلی هستند که در تعیین سیاست دولت ها، از جمله سیاست دفاعی و استراتژی آن ها تأثیر می گذارند و عوامل نظامی عناصری چون دستاوردهای تاریخی، تکنولوژی، تأثیر سازمان های اطلاعاتی، مجتمع های نظامی و صنعتی، همکاری های دفاعی - نظامی، اتحادها و ائتلاف های نظامی و ... را شامل می شود. (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۸: ۸۵) جنبه اول نحوه توسعه نیروهای مسلح را مشخص می کند و جنبه دوم، هدایت، تأمین و توزیع ادوات نظامی برای رسیدن به اهدافی که استراتژی ملی آن ها را تعیین کرده است. استراتژی نظامی، می بایست شامل کلیه نیروهای نظامی (هوایی، دریایی، زمینی و به ویژه بسیج مردمی) و به صورت یک مجموعه مرتبط به هم باشد. (حیدرخانی، ۱۳۷۲: ۹۳)

در تحلیل استراتژی یک کشور، باید شرایط داخلی و خارجی اثرگذار بر استراتژی نظامی را در نظر گرفت. از جمله شرایط داخلی اثرگذار بر استراتژی نظامی خصوصیات ملی شامل کمیت و کیفیت منابع انسانی، شرایط جغرافیایی، موقعیت ژئوپلیتیکی، سطح توسعه اقتصاد ملی و موقعیت سیاسی و اجتماعی است. (لطیفیان، ۱۳۸۴) و در خصوص شرایط خارجی می توان به تأثیر ساختار قدرت و نفوذ نظام بین المللی در سیاست گذاری ها و فعالیت واحدهای تشکیل دهنده نظام، اشاره کرد. در اغلب موارد، سیاست ها و استراتژی های کشورهای نیز، پاسخی به اهداف و اقدامات سایر دولت ها یا گرایش ها و شرایط متغیر منطقه ای و جهانی در نظام بین المللی است. (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۸: ۸۷)

در کشورهای در حال توسعه عامل دیگری که در فرآیند سیاست گذاری و تدوین استراتژی نظامی تأثیر می گذارد، برآیند ضعف این کشورها در ارتباط آن ها با ابرقدرت های بزرگ است. نوع اثرگذاری این عامل، به شکل ارائه کمک و مشاوره نظامی و فنی مستشاران بیگانه است. کشورهایی که برای ایجاد ساختار دفاعی کارا و مدرن مهارت و مدیریت لازم را ندارند یا این توانایی را در خود نمی بینند دست به سوی کشورهای توسعه یافته دراز کرده و از آن ها برای تقویت بنیه نظامی خود کمک می جویند و کشورهای کمک دهنده نیز با اعزام طیف متنوعی از عوامل خود در پوشش مستشار، امکان دخالت و جهت دهی به سیاست های دفاعی این کشورها را می یابند.

واقع‌گرایی (رنالیسم) و نظریه موازنه قدرت و موازنه تهدید

در مکتب واقع‌گرایی اولین و مهم‌ترین هدف دولت‌ها، حفظ بقا است و از این رو افزایش تهدیدات ملی انگیزه لازم برای حداکثرسازی قدرت جهت صیانت از امنیت و بقا سیاسی را فراهم می‌کند. والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید، بیان کرد آنچه باعث حرکت کشورها به سمت توازن می‌شود میزان تهدیدی است که ادراک می‌کنند. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵) نظریه والت نشان می‌دهد که دولت‌ها، معمولاً اتحاد را به منظور موازنه علیه جدی‌ترین تهدید انتخاب می‌کنند و از این رو، از نظر والت در مطالعه اتحادها باید به دنبال یک دشمن مشترک گشت. (نیاکونی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۳) بنابراین، طبق این نظریه کشورها به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد علیه هر کشوری نیستند، بلکه کشوری که قدرت آن باعث به خطر افتادن امنیت دیگر کشورها شود، سبب می‌شود که دیگران نیز برای رویارویی با این تهدید به سوی ایجاد ائتلاف سوق پیدا کنند. (سیمبر، پادرونی و عزتی، ۱۳۹۶: ۱۰) بدیهی است که یکی از شرایط ضروری برای تشکیل اتحادیه‌ها، وجود منافع مشترک است. این منافع مشترک می‌تواند به خصوص در مواردی که دشمن مشترک یا تهدید مشترکی وجود دارد، در قالب اتحادیه‌ای نظامی-سیاسی تأمین شود. (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۸: ۸۹-۸۸)

مصون‌سازی راهبردی

مصون‌سازی راهبردی به عنوان یک جایگزین سوم برای تقابل یا وابستگی شدید به کشوری قدرتمند است و یک راهبرد ترکیبی از همکاری و نبرد متکی به ابزارهای قدرت نرم و سخت است. از یک طرف تأکید بر مکانیسم‌های تقابل و درگیری و از طرف دیگر متمرکز بر توازن به سبک واقع‌گرایی است. دولت‌های دنبال‌کننده سیاست‌های مصون‌سازی هم‌زمان که با دولت تهدیدکننده برای جلوگیری از درگیر شدن در یک نبرد نابرابر همکاری می‌کند، با عناصر توازن سخت در برابر دولت تهدیدکننده مانند مشارکت در اتحادها و ائتلاف‌ها با نیروی رقیب دولت تهدیدکننده همکاری می‌کند و افزایش توانمندی‌های نظامی و غیرنظامی خود را نیز دنبال می‌کند. (El-Dessouki.A:2020)

دولت‌های کوچک به‌خصوص در مواجهه با قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای نمی‌توانند یک راهبرد تهاجمی را دنبال کنند، زیرا دارای کمبودهایی در توانمندی‌های نیرویی هستند و متحمل هزینه‌های بی‌طرفی خصومت‌آمیز با قدرت‌های تهدیدکننده می‌باشند. باوجود واقعیت‌های ساختاری قدرت در سیاست‌های جهانی، راهبرد مصون‌سازی یک فضای روشنی را برای کشورهای کوچک جهت استفاده از قدرت نسبی خود برای دستیابی به استقلال نسبی سیاست خارجی فراهم می‌سازد. (Gindarash, 2019)

در مجموع راهبرد مصون‌سازی عزمی را به دولت‌های کوچک جهت پشتیبانی از امنیت آن‌ها از طریق اتحادهای خارجی، افزایش توانمندی‌های نظامی و مشارکت و همکاری با دولت‌های تهدیدکننده را می‌دهد که آن‌ها را برای اجتناب از پیامدهای دوراهی امنیتی توانمند می‌سازد. (Tessman, 2019)

راه‌های پی‌بردن به استراتژی نظامی دشمن

تدوین استراتژی نظامی پیش از آنکه یک طرح راهبردی دفاعی باشد، خود بخشی از استراتژی ملی یا عالی است که هنر آن به‌کارگیری نیروهای نظامی یک ملت به‌منظور تأمین هدف‌ها و خط مشی یا سیاست‌های کلی در جهت منافع ملی است. درک رابطه نزدیک و تنگاتنگ استراتژی با سیاست ملی مبین این نکته است که نقطه شروع هر برنامه و طرح استراتژیکی برگرفته از یک سیاست ملی مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی هر کشور و ملت است. مهم‌ترین وظیفه طراحان استراتژیک نظامی تطبیق قدرت نظامی با منافع ملی است. (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

استراتژی نظامی، محور انسجام و جهت کلی حرکت نیروهای مسلح از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب می‌باشد. برای تشخیص نیات یا استراتژی (راهبردهای احتمالی) و محتمل‌ترین راهبرد نظامی دشمن ابتدا باید ارزیابی از وضعیت‌ها (جاری و آتی) نظامی کشور هدف به‌منظور پی‌بردن به نقاط قوت و ضعف او انجام شود و سپس با تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف دشمن، برای تعیین تأثیر این عوامل بر قابلیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های دشمن اقدام نمود. (چگینی، ۱۳۸۴)

از آنجایی که محاسبه توان فیزیکی دشمن می‌تواند راهی برای پی‌بردن به مقاصد و نیات وی باشد باید در نظر بگیریم که توانایی‌های دشمن مجموعه‌ای از توان شامل تکنولوژی تسلیحات، بودجه دفاعی، حجم پرسنل نظامی، نوع تسلیحات و ... می‌باشد، که شرایط خاصی را برای

اندازه‌گیری، مقایسه با توان خودی و ارائه تحلیل به وجود می‌آورد. هرچند عناصری نظیر روحیه، آموزش‌های نظامی، انگیزه‌های مذهبی، روحیات ملی و... را نمی‌توان به درستی اندازه گرفت و تخمین زد. (حیدرخانی، ۱۳۷۲)

نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های خودی نیز می‌تواند در تعیین استراتژی نظامی دشمن اثرگذار باشد. در یک بررسی کلی می‌توان با تعیین مقاصد و توانایی‌های دشمن، میزان آسیب‌پذیری‌های خودی و تخمین میزان تهدیدات از طریق تحلیل اظهارات، تحرکات، اقدامات و... در یک شرایط فرضی خود را به استراتژی نظامی دشمن نزدیک و آن را به دست آورد. (حیدرخانی، ۱۳۷۲: ۱۳۷)

در نهایت باید بدانیم که پی بردن به استراتژی یک کشور مسیری پایین به بالا است در حالی که در تدوین استراتژی نظامی یک کشور مسیر بالا به پایین را طی می‌کند که از استراتژی ملی به تدوین استراتژی‌های سطح پایین می‌رسد. (شهلائی، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

پیشینه پژوهش

حسین باقری و روح‌الله رستمی در پایان‌نامه با عنوان «توانمندی‌های نظامی امارات متحده عربی و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی» به بررسی توان نظامی امارات متحده عربی در سال ۱۳۹۲ پرداختند و با استفاده از روشی توصیفی - تحلیلی و براساس بررسی‌های اسنادی و پیمایشی از طریق تکمیل پرسشنامه در خصوص ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های توانمندی نظامی کشور امارات متحده، تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی را در وضعیت فعلی و افق آینده مورد بررسی قرار دادند. هادی مراد پیری و امیر مشتاقی در مقاله «تهدیدات نظامی امارات متحده عربی و ملاحظات امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۹۹، توانمندی‌های نظامی امارات متحده عربی و دامنه تهدیدات این کشور علیه جمهوری اسلامی را بررسی کرده و به تبیین ملاحظات امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. ایشان در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که اقدامات و توانمندی‌های نظامی امارات متحده عربی از جمله اجرای برنامه نوسازی نیروهای مسلح، خرید تسلیحات پیشرفته، واگذاری پایگاه‌های نظامی به نیروهای فرمانطقه‌ای، برگزاری رزمایشات مشترک، همکاری با ناتو، عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و... از طریق امنیتی نمودن منطقه و زمینه‌سازی حضور نیروهای فرمانطقه‌ای و رژیم صهیونیستی در مجاورت مرزهای

جمهوری اسلامی ایران، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف به‌ویژه بُعد نظامی تأثیر منفی می‌گذارد.

آیمان الدسوکی و اولاف ریفیک‌منصور از دانشکده علوم سیاسی دانشگاه قاهره مصر در فوریه ۲۰۲۰م در مقاله‌ای با عنوان «دولت‌های کوچک و مصون‌سازی راهبردی: سیاست امارات در قبال ایران» به بیان تغییرات سیاست امارات در قبال ایران پس از وقوع بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱م می‌پردازد و بیان می‌دارد که امارات پس از شکل‌گیری در سال ۱۹۷۱م همواره سیاست مصون‌سازی راهبردی را در مقابل ایران به کار گرفته است و با گسترش روابط تجاری و سیاسی با ایران در کنار توسعه توانمندی‌های نظامی و حفظ اتحاد نظامی - دفاعی با عربستان و آمریکا در تلاش بوده تا تهدیدات بلندمدت امنیت ملی را مهار نماید. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ میلادی سیاست امارات در مقابل ایران تغییر کرد و ابوظبی سیاست متوازن‌سازی را در مقابل تهران در پیش گرفت که پس از شکست‌های مختلف در مقابله با تهران، اکنون ابوظبی در تلاش است تا به سیاست مصون‌سازی راهبردی در مقابل ایران بازگردد.

کنت کاتزمن، کارشناس و متخصص امور خاورمیانه در سندی که توسط سرویس تحقیقات کنگره آمریکا در تاریخ اکتبر ۲۰۲۲م با عنوان «امارات متحده عربی و مسائل مربوط به سیاست ایالات متحده آمریکا» مورد بازنگری قرار گرفته است، به تشریح ابعاد مختلف سیاسی، تجاری، نظامی و اقتصادی امارات متحده عربی پرداخته و تلاش نموده تا یک توصیف کامل از تمامی جنبه‌های این کشور و روابط آن با سایر کشورها ارائه نماید.

کنت پولاک در مقاله‌ای که در اکتبر ۲۰۲۰م با عنوان «بزرگ شدن اسپارت کوچک: درک اثربخشی نظامی امارات متحده عربی» منتشر شده است به بررسی وضعیت نظامی امارات متحده عربی و نقاط ضعف و قوت ارتش این کشور می‌پردازد و پس از بررسی اقدامات رهبران امارات برای افزایش کارایی و اثر بخشی نیروهای نظامی این کشور فرهنگ عربی را بزرگ‌ترین مانع بر سر راه دستیابی به نتایج مطلوب حاصل از صرف هزینه‌های گزاف برای افزایش قدرت و توانمندی نظامی این کشور می‌داند.

همچنان که مرور آثار نشان می‌دهد هیچ اثری به صورت مستقل به تعیین استراتژی نظامی امارات متحده عربی در منطقه خلیج فارس نپرداخته است و از این نظر این پژوهش در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از منابع کتابخانه‌ای - اسنادی (واقعی - مجازی) پرداخته است.

سؤال اصلی پژوهش

۱- استراتژی نظامی امارات متحده عربی چه تأثیری بر امنیت دفاعی نظامی ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس دارد؟

سؤال‌های فرعی

- ۱- استراتژی نظامی هوایی امارات متحده عربی در منطقه خلیج فارس چه تأثیری بر امنیت دفاعی نظامی ج.ا.ایران دارد؟
- ۲- استراتژی نظامی دریایی امارات متحده عربی در منطقه خلیج فارس چه تأثیری بر امنیت دفاعی نظامی ج.ا.ایران دارد؟
- ۳- استراتژی نظامی زمینی امارات متحده عربی در منطقه خلیج فارس چه تأثیری بر امنیت دفاعی نظامی ج.ا.ایران دارد؟
- ۴- استراتژی نظامی عضویت و یا همکاری در اتحادهای نظامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشور امارات متحده عربی، چه تأثیری بر امنیت دفاعی نظامی ج.ا.ایران دارد؟

محیط‌شناسی

امارات متحده عربی کشوری در حاشیه جنوبی خلیج فارس و یکی از همسایگان جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۹۷۱م با اتحاد هفت امارت ابوظبی، دبئی، رأس‌الخیمه، فجیره، ام‌القوین، شارجه و عجمان شکل گرفت. امارات متحده عربی با حدود ۸۶۳۰۰ کیلومتر مربع، در جنوب غربی آسیا، دارای ۸۶۷ کیلومتر مرز زمینی و ۱۳۱۸ کیلومتر مرز دریایی است که پس از

همسایگی با جمهوری اسلامی ایران بیشترین مرز دریایی را در خلیج فارس دارد. موقعیت سرزمینی امارات و نزدیکی آن به تنگه استراتژیک هرمز، ارتباط با دریای عمان، دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز موجب شده تا این کشور مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گیرد.

دکترین نظامی امارات

با در نظر گرفتن اینکه تقویت ارتش امارات بر پایه واردات سلاح‌های پیشرفته و فوق مدرن و همپیمانی با قدرت‌های بزرگ نظامی جهان (آمریکا، فرانسه و انگلیس) استوار است و کلیه مستشاران موجود در ارتش امارات نیز وابسته به کشورهای غربی هستند و نیروهای اماراتی نیز در غرب آموزش می‌بینند و یا در امارات تحت تعلیم مریان غربی هستند، در نتیجه دکترین و راهبرد موجود در ارتش امارات تحت تأثیر علوم نظامی غربی قرار گرفته و بر شیوه غربی استوار است.

محمد بن زاید حاکم کنونی امارات در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۶م پرده از استراتژی بزرگ امارات برداشت و این استراتژی را در شش اصل به شرح ذیل بیان کرد:

- ۱- تمرکز بر ایجاد سرمایه انسانی از طریق برنامه‌های آموزشی که نسل جدید سربازان اماراتی را قادر می‌سازد به استقلال بیشتر دست یابند.
- ۲- سرمایه‌گذاری عظیم در فناوری و سکویای نظامی که به کشور امکان استفاده از تجهیزات پیشرفته را می‌دهد و آن را به هفتمین واردکننده تسلیحات در جهان طی سال‌های اخیر تبدیل کرده است.
- ۳- توسعه صنعت دفاعی بومی، از طریق فروش تسلیحات و برنامه افسس، که کشور را در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی استراتژیک مستقل تر می‌سازد تا به یک تولیدکننده خودکفا تبدیل شود.
- ۴- گسترش فرهنگ استراتژیک در میان فرماندهان آینده کشور با ایجاد یک برنامه آموزشی نظامی حرفه‌ای بومی مطابق با استانداردهای غربی (مانند تأسیس دانشگاه دفاع ملی، آکادمی دیپلماتیک امارات و آکادمی ربدان) طی دهه گذشته.
- ۵- استقرار منظم پرسنل نظامی اماراتی در خارج از کشور برای آشنایی آن‌ها با تجربیات و تخصص‌های بین‌المللی.
- ۶- گسترش نیروهای مسلح از طریق خدمت اجباری که باعث ایجاد روابط نزدیک‌تر بین سربازان و شهروندان خواهد شد.

این نقشه راه اماراتی‌ها را برای استقلال استراتژیک است که هنوز در حال تدوین است، اما نتیجه مستقیم ارزیابی‌های منطقه‌ای و بی‌میلی آمریکا برای مداخله در بحران‌های غرب آسیا سبب شکل‌گیری آن شده است. این تصویر اماراتی‌ها را بر آن داشته است که نه تنها برای دفاع سرزمینی آماده شوند بلکه خود را برای شرکت در عملیات‌های اعزامی در مقیاسی بی‌سابقه برای یک کشور در اندازه امارات آماده کنند. (ژان لوپ، ۲۰۲۰)

سیاست خارجی امارات

از سال ۲۰۰۴م که شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان به قدرت رسید، در نتیجه عواملی چون تثبیت نسبی نقش و جایگاه امارات در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی، انباشت ثروت و تقویت رابطه با آمریکا، سیاست خارجی امارات وارد فضای جدیدی شد. در این دوره با وقوع بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰م سیاست‌های خارجی امارات در منطقه فعال‌تر شده و قدرت نظامی امارات که در نتیجه چندین سال همکاری دفاعی و نظامی با آمریکا و ناتو و به لطف خرید تجهیزات مدرن به سطح قابل توجهی از توانایی رسیده بود، نقش مؤثرتری در سیاست خارجی این کشور ایفا نمود. از همین زمان، این کشور راهبرد سیاست خارجی خود را در منطقه تغییر داد (رستمی، ۱۳۹۹) و به دنبال افزایش تأثیرگذاری در منطقه غرب آسیا و ایفای نقش پررنگ‌تر از هویت و جایگاه واقعی خود در عرصه منطقه و بین‌الملل و تبدیل شدن به یک قدرت محدود منطقه‌ای رفت. (غلام‌نیا، ۱۳۹۹)

در نهایت، امارات پس از یک دوره تلاش برای ایجاد توازن سخت در مقابل رقبای منطقه‌ای به ویژه ایران، و نتیجه‌نگرفتن در عرصه میدانی، دوباره به سیاست خارجی قبل از سال ۲۰۰۹م که مصون‌سازی راهبردی در مقابل ایران بوده بازگشته و در تلاش است با همکاری اقتصادی و سیاسی با ایران و در کنار آن اتحاد با رقبای این کشور و افزایش توانمندی نظامی خود به نوعی امنیت‌ملی خود را در درازمدت تأمین نماید و از تحریک تهران پرهیز کند. (El-Dessouki.a,2020)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که امارات با تقویت توان نظامی از طریق انعقاد پیمان‌های نظامی با کشورهای غربی و واگذاری پایگاه‌های نظامی به آن‌ها، ایفای نقش فعال در توسعه سامانه دفاع موشکی یکپارچه مدنظر آمریکا در منطقه، افزایش همکاری با ناتو، برگزاری رزمایشات مشترک با قدرت‌های جهانی، حضور نظامیان اماراتی در مأموریت‌های بین‌المللی، برگزاری کنفرانس‌های

نظامی - امنیتی بین‌المللی، تلاش برای خرید تجهیزات رزمی راهبردی، تنوع بخشی به منابع خرید تسلیحات نظامی، پیگیری سیاست خودکفایی در تولید تسلیحات نظامی، حضور نظامی خود را در بحران‌های منطقه‌ای پُررنگ نموده است. (مرادپیری، ۱۳۹۹)

بودجه نظامی

درآمد بالای امارات به این کشور این امکان را داده است که به یکی از بزرگترین هزینه کنندگان دفاعی در جهان عرب تبدیل شود و یکی از بزرگترین بودجه‌های دفاعی نسبت به سرانه جمعیت در جهان را داشته باشد. با وجود اینکه این کشور نیروی انسانی کمی برای استفاده کامل از تمام تجهیزات خود را دارد، اما یک وارد کننده بزرگ و جاه طلب تجهیزات نظامی است. (کوردزمن، ۲۰۰۶: ۴) در سال ۲۰۰۰ بودجه نظامی امارات حدود ۳,۳ میلیارد دلار بود. در خلال سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۸، هزینه‌های نظامی امارات به طور میانگین بین ۲۶,۶ تا ۳۰ میلیارد دلار در سال متغیر بوده است. این افزایش بودجه نظامی نشان از تغییر استراتژی امارات در این سال‌ها دارد. بودجه دفاعی امارات در سال ۲۰۲۲ م ۲۰,۴ میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۳ م ۲۰,۷ میلیارد دلار بوده است. (توازن نظامی، ۲۰۲۴)

خرید تسلیحات نظامی

براساس اطلاعات منتشرشده وزارت خارجه آمریکا، امارات خریدار مهم تجهیزات نظامی آمریکایی، از جمله پیچیده‌ترین سیستم‌های دفاع موشکی است. آمریکا ۲۸/۱ میلیارد دلار در پرونده‌های فروش فعال دولتی، با دولت امارات قراردادهای فروش تسلیحات نظامی در دست انجام دارد. از سال ۲۰۱۴م، آمریکا همچنین مجوز صادرات دائمی بیش از ۷/۲ میلیارد دلار اقلام دفاعی به امارات را از طریق فرآیند فروش تجاری مستقیم (DCS)، عمدتاً شامل لانچرهای متحرک، هواپیما، مهمات و تجهیزات الکترونیکی نظامی به امارات داده است. (k.Katzman,2022: 14)

• پروژه خرید جنگنده: امارات ۸۰ فروند هواپیمای F-16 آمریکایی مجهز به موشک‌های پیشرفته میان‌برد هوا به هوا (AMRAAM) و موشک ضد تشعشع با سرعت بالا (HARM) را به ارزش حدود ۸ میلیارد دلار خریداری کرد. در آوریل ۲۰۱۳م، آمریکا ۳۰ فروند F-16 اضافی و مهمات هوا به زمین مرتبط را به امارات فروخت. (همان: ۱۵) اخیراً امارات یک تفاهم نامه با سئول برای شرکت در پروژه جنگنده کی اف-۲۱ امضاء نموده است. اعلام شده که ۲۰ درصد از

هزینه‌های این پروژه توسط ابوظبی تأمین می‌گردد. در فوریه ۲۰۲۲ م وزارت دفاع امارات اعلام کرد قرارداری برای خرید ۱۲ جنگنده سبک با امکان افزایش تا ۳۶ فروند را با چین نهایی کرده است. در دسامبر سال ۲۰۲۰ م نیز ۸۰ جنگنده رافال از فرانسه خریداری کرد.

• پروژه خرید تسلیحات راهبردی: در آخرین ساعات ریاست‌جمهوری ترامپ، امارات قرارداد خرید ۵۰ فروند جنگنده تهاجمی چندمنظوره F-35 و ۱۸ پهپاد MQ-9 Reaper با آمریکا امضا کرد. اما دولت بایدن پس از شروع به کار، فروش این تسلیحات را برای بررسی قرارداد، متوقف کرد و تاکنون از تحویل این تسلیحات به امارات خودداری نموده است. (J.M.Sharp, 2023)

• JDAM ها و سایر مهمات هدایت شونده دقیق: آمریکا به امارات موشک‌های هدایت‌شونده دقیق (PGMs)، از جمله موشک تله متری ATM-84 SLAM-ER (اولین فروش آن سلاح به یک کشور خلیج فارس) و بمب‌های GBU-39/B bunker buster فروخته است. طی سال‌های ۱۱-۲۰۰۸، آمریکا تعداد نامشخصی کیت مهمات حمله مستقیم مشترک (JDAM) (که بمب‌های گرانشی را به بمب‌های هدایت‌شونده دقیق تبدیل می‌کند) به ارزش تقریبی ۶۲۵ میلیون دلار به امارات فروخت. در ماه مه ۲۰۱۹ م، دولت ترامپ با استناد به مجوز اضطراری بدون در قانون کنترل صادرات تسلیحات (AECA) و با بهانه «نیاز به جلوگیری از ماجراجویی بیشتر ایران در خلیج فارس و سراسر خاورمیانه»، به‌طور رسمی کنگره را از فروش فوری سلاح PGM های اضافی، با ارزش تخمینی ۱ میلیارد دلار به امارات مطلع کرد. (شماره انتقال ۱۷-۷۳ و شماره انتقال ۱۷-۷۰). (k.Katzman, 2022: 15)

• فروش بالگردهای تهاجمی و پشتیبانی: آژانس همکاری امنیت دفاعی (DSCA) دو فروش احتمالی، از جمله فروش ۳۰ فروند بالگرد AH-64 آپاچی به ارزش ۵ میلیارد دلار را به کنگره اطلاع داد. در نوامبر ۲۰۱۹ م، وزارت امور خارجه فروش احتمالی ۱۰ بالگرد باری CH-47F Chinook و تجهیزات مربوط را با هزینه تخمینی ۸۳۰٫۳ میلیون دلار تأیید کرد. (همان: ۱۶) در دسامبر سال ۲۰۲۰ م ۱۲ بالگرد نظامی از فرانسه خریداری کرد.

• موشک‌های بالستیک و پهپادها: امارات در سال ۲۰۲۰ م بزرگ‌ترین قرارداد تسلیحاتی تاریخ کره جنوبی را امضا کرد که به موجب آن سامانه موشکی زمین‌به‌هوای SAM-KM را

به مبلغ ۳/۵ میلیارد دلار خریداری کرد. آمریکا تاکنون فناوری موشک بالستیک و پهپادهای مسلح به امارات نفروخته است و علت آن را عدم تبعیت امارات از رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR) اعلام کرده است. با این حال، تغییر سیاست MTCR آمریکا در سال ۲۰۲۰م توسط دولت ترامپ امکان صادرات پهپادهای مسلح ساخت آمریکا را فراهم می کند که با سرعت کم تر از ۸۰۰ کیلومتر در ساعت پرواز می کنند، از جمله هواپیماهای بدون سرنشین Reaper که بخشی از قرارداد تسلیحاتی امضاء شده در ژانویه ۲۰۲۱م را تشکیل می دهند. طبق گزارش ها، امارات دارای تعداد کمی (شش) موشک بالستیک اسکاد-بی است که از تأمین کنندگان غیر آمریکایی به دست آمده است. در سال ۲۰۱۷م، امارات تعدادی از پهپاد غیر مسلح Predator X-P ساخت آمریکا را در قراردادی با ارزش حدود ۲۰۰ میلیون دلار تحویل گرفت. در ۲۴ مه ۲۰۱۹م، وزارت امور خارجه فروش پهپاد بلک جک به ارزش تخمینی ۸۰ میلیون دلار به امارات را تحت اطلاعیه اضطراری که قبلاً به آن اشاره شد، تأیید کرد. طبق گزارش ها، این کشور پهپادهای مسلح را از چین خریداری کرده و از آنها برای حملات در لیبی استفاده کرده است. (همان) در سپتامبر ۲۰۲۲م نیز «رویترز» خبر داد که ترکیه ۲۰ پهپاد بیرق دار TB ۲ به امارات فروخته و امارات در حال مذاکره برای خرید پهپادهای بیشتر از ترکیه تا حد ۱۲۰ فروند است.

• **تانک ها و موشک های نیروی زمینی:** نیروهای امارات همچنان از ۳۸۰ تانک لکلرک ساخت فرانسه استفاده می کنند و امارات هیچ تانک جنگی میدان نبرد از آمریکا خریداری نکرده است. در سپتامبر ۲۰۰۶م، آمریکا سیستم های موشکی توپخانه متحرک (HIMARS) و سیستم های موشکی تاکتیکی (ATACM) را به ارزش حدود ۷۵۰ میلیون دلار را به امارات فروخت. (همان)

نیروی هوایی امارات متحده عربی

نیروی هوایی امارت با استعداد انسانی حدود ۴۰۰۰ نفر و ۱۳۷ جنگنده پیشرفته، یکی از مجهزترین نیروهای هوایی در غرب آسیا است. این کشور دارای ۳ اسکادران از جنگنده های پیشرفته F-16E/F Block 60 و سه اسکادران از جنگنده های Mirage 2000-9DAD/ EAD/ RAD است. امارات دارای سه فروند هواپیمای هشدار اولیه و کنترل هوایی SAAB می باشد. همچنین نیروی

هوایی امارات دارای یک فروند هواپیمای سوخت‌رسان از نوع A330 MRTT است. (میلیتاری بالانس، ۲۰۲۳)

در بررسی توان هوایی امارات مشخص می‌گردد فالكون اصلی‌ترین دارایی تهاجمی هوایی امارات است که یک جنگنده چابک و چندمنظوره است. این هواپیما دارای قابلیت مانور بالایی بوده و مأموریت آن رزم هوا به هوا و هوا به سطح است. شعاع عملیاتی این جنگنده ۱۷۵۰ کیلومتر است که با توجه وجود هواپیماهای سوخت‌رسان A330 MRTT و توانمندی سوختگیری هوایی، بُرد و شعاع عملیاتی این جنگنده افزایش نیز می‌یابد. این جنگنده در تمام شرایط آب و هوایی و در شب و روز و در ارتفاع پایین و بالا امکان اجرای عملیات دارد و بنابه مأموریت و متناسب با تسلیحاتی که دارد می‌تواند علیه اهداف مستحکم و نیمه مستحکم ثابت مانند پایگاه‌های هوایی، انبارهای مهمات و ... اهداف سطحی مانند شناورها، وسایل نقلیه زمینی یگان‌های نظامی و غیرنظامی به کار رود. این جنگنده چون رادار گریز و پنهان کار نیست، برای ورود به مناطق تحت پوشش سامانه‌های پدافندی نیازمند همپایی (اسکورت) است.

وجود هواپیماهای C-17 و C-130 به ارتش این کشور، توانایی جابه‌جایی سریع نیروهای نظامی در سطح منطقه غرب آسیا را داده است. این توان لجستیکی زمینه‌ساز گسترش محدوده عملکرد نیروهای نظامی امارت در خارج از زیرمنطقه خلیج فارس برای تبدیل شدن به یک قدرت متوسط در منطقه است. البته با توجه به کمبود هواپیماهای لجستیکی، این کشور در مواقع اضطراری از ناوگان هوایی تجاری خود نیز در زمینه پشتیبانی لجستیکی استفاده کرده است. بنابراین می‌توان گفت که لجستیک هوایی از نقاط قوت برجسته نیروی هوایی امارات است.

مشارکت سال‌های اخیر نیروی هوایی امارات در مأموریت‌های بین‌المللی ضربتی علیه اهداف ثابت زمینی مانند عملیات‌های افغانستان و لیبی موجب افزایش مهارت خلبانان اماراتی شده است. تا جایی که این نیرو توانست به صورت مستقل و بدون همراهی آمریکا با بهره‌گیری از پایگاه‌های هوایی خود در مصر، اهدافی را در لیبی مورد تهاجم هوایی قرار دهد. البته باید در نظر داشته باشیم که عملیات نیروی هوایی امارات در سوریه، افغانستان، یمن و لیبی عمدتاً در محیطی کم‌ریسک و علیه اهداف ثابت زمینی، براساس سناریویی از پیش طراحی شده انجام گرفته و تسلیحات مورد

استفاده جنگنده‌های اماراتی مهمات هدایت دقیق بوده است. (پولاک، ۲۰۲۰) بنابراین نمی‌توان ارزیابی دقیقی از سطح مهارت خلبانان این نیرو در هدف‌زنی ارائه نمود.

امارات برای افزایش مهارت خلبانان در نبرد هوایی آن‌ها را به رزمایشات مشترک پرچم سرخ آمریکا و رزمایشات مشترک هوایی در اروپا و غرب آسیا اعزام می‌کند و همچنین یک مجموعه پیشرفته شبیه‌سازی نبرد هوایی در فرماندهی مرکزی نیروی هوایی در الظفره برای آموزش خلبانان ساخته است. هدف از این اقدامات افزایش مهارت خلبانان اماراتی در نبردهای هوایی و اجرای عملیات مشترک هوایی با سایر همپیمانان است.

با وجود اینکه سطح استانداردهای آموزشی در نیروی هوایی امارات بسیار بالاست، اما فرهنگ عمومی و نظام حکومتی این کشور بر روی نحوه گزینش، استعدادیابی، رشد و شایسته‌گزینی در بین خلبانان تأثیر گذاشته و روابط خانوادگی و وفاداری به حکومت ارجعیت بالاتری نسبت به مهارت‌های حرفه‌ای در این کشور دارند. (کردزمن، ۲۰۰۶: ۲۶) برخی از کارشناسان معتقدند که خلبانان اماراتی در کار خود خلاقیت ندارند و کاملاً ابزار محور هستند و این ضعف موجب ناتوانی در استفاده از مهارت‌ها برای مقابله با شرایط پیش‌بینی نشده در خلبانان اماراتی شده است. آن‌ها شجاعت لازم برای خطرپذیری را ندارند بنابراین ترجیح می‌دهند که تمامی مراحل عملیات از قبل پیش‌بینی شده باشد و در عملیات‌های خطرناک شرکت نمی‌کنند. (پولاک، ۲۰۲۰)

نیروی هوایی امارات با کمک مستشاران غربی یک مرکز مشترک هدف‌یابی در عملیات‌های هوایی (JTACs) را به منظور تقویت نیروی هوایی و بالگردهای تهاجمی در عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک از نیروی زمینی، نیروی دریایی، یگان‌های ویژه و سازمان حفاظت از تاسیسات حیاتی و سواحل امارات ایجاد نموده است. این اقدام به منظور اجرای عملیات ترکیبی و استفاده از توان نیروی هوایی در پشتیبانی هوایی نزدیک از سایر نیروها است. این مرکز در دوران جنگ یمن فعال بوده است و قبل از جنگ یمن اماراتی‌ها در این زمینه کاملاً به آمریکایی‌ها وابسته بودند ولی تجربه جنگ یمن باعث شد در این زمینه به مستقل شوند. (همان)

اگرچه برنامه‌ریزی و هدایت بسیاری از عملیات‌های لجستیکی هوایی توسط مهاجران غربی مشغول در امارات طراحی و برنامه‌ریزی می‌گردد و اماراتی‌ها فقط مجری هستند اما تلاش‌های این کشور در افزایش توانایی و مهارت خلبانان نیروی هوایی نشان‌دهنده حرکت این نیروی به سمت

بومی سازی و درونی سازی قدرت است. در حال حاضر نیروی هوایی امارات در بین کشورهای جهان عرب قوی ترین نیروی هوایی است. (همان)

نیروی پدافند هوایی امارات متحده عربی

نیروی پدافند هوایی امارات، توسط نیروی هوایی این کشور اداره می شود و دارای یک فرماندهی عملیات مستقل است که واحدهای دفاع هوایی نیروی زمینی را نیز در بر می گیرد. نیروی پدافند هوایی امارات شامل دو تیپ پدافند هوایی (شامل سه گردان پدافند هوایی برد بلند باراک M902 Patriot PAC-3 و سه گردان پدافند هوایی بُرد کوتاه به وسیله کرویتال، میسترال و راپیر، RBS-70، جاولین، 9K38 Iгла (RS-SA-18 Grouse)، 96K6 Pantsir-S1 (RS-SA-22) و ۲ آتشبار سطح به هوای تاد است. (میلیتاری بالانس، ۲۰۲۳)

امارات به علت کوچکی سرزمینی و ذره ای بودن، فاقد عمق راهبردی است و تمرکز تمامی تأسیسات حیاتی از آسیب پذیری های اصلی این کشور است. از این رو ایجاد لایه های متعدد پدافندی از طریق خرید تجهیزات پدافند موشکی پیشرفته و رادارهای هشدار اولیه همواره در اولویت خریدهای نیروهای مسلح این کشور بوده است. در طی چندین سال یک شبکه پدافند هوایی چند لایه برای مقابله با موشک های بالستیک و کروز و پرنده های بدون سرنشین با استفاده از سامانه های تاد، پاتریوت، باراک ۸، رپیر، کرویتال و پانتیسیر در امارات ایجاد شده است.

سپر یکپارچه دفاع موشکی که برای مقابله با توانمندی موشک های کروز و بالستیک ایران در حال استقرار در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است، یک اقدام منطقه ای آمریکا در غرب آسیا است. در حال حاضر آمریکا سامانه پدافند موشکی تاد و پاتروت را در اختیار سه کشور امارات، قطر و عربستان قرار داده و سامانه دفاع هوایی ایجس را در قالب ناوهای رزمی به صورت منظم و بی وقفه به منطقه اعزام می نماید تا سیستم دفاع موشکی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را تقویت نماید.

امارات متحده عربی میزبان یک مرکز دفاع هوایی و موشکی یکپارچه (IAMD) است - یک مرکز آموزشی برای تقویت همکاری دفاع موشکی بین شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا - ایجاد این مرکز برای دستیابی به همکاری دفاع موشکی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است. امارات در این راستا میزبان برگزاری رزمایشات مشترک جنگ هوایی و دفاع موشکی است. این

تمرینات که با شرکت عربستان سعودی، امارات، امریکا، انگلیس، یونان، عمان، فرانسه، آلمان، هند و استرالیا اجرا می‌شود و هدف از اجرای آن تمرین و تقویت مهارت‌های نیروها در عملیات جنگی هوایی و تطبیق عملی مفهوم همکاری و فعالیت مشترک در محیط جنگی، تمرین فرماندهی و کنترل چندجانبه و تقویت قابلیت‌های دفاع هوایی و زمینی و همچنین تبادل تجربیات و مهارت‌ها در زمینه برنامه‌ریزی و اجرای عملیات مشترک است.

امارات در تلاش است با استفاده از فرصتی که به واسطه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی برای این کشور فراهم شده است از توانمندی شرکت‌های اسرائیلی برای تقویت سامانه‌های دفاع موشکی و پهپادی خود بهره ببرد. خرید سامانه‌های باراک ۸ و نصب آن در پایگاه‌های الظفره در نزدیکی ابوظبی اولین قرارداد این کشور با شرکت‌های اسرائیلی بود و رهبران امارات به دنبال خرید سامانه‌های لاهف اور و OptiDefens از این رژیم هستند.

نیروی دریایی امارات متحده عربی

نیروی دریایی امارات یک نیروی نسبتاً کوچک به‌شمار می‌رود که پرسنل آن حدود ۲۵۰۰ نفر، شامل ۲۰۰ افسر است. این نیرو دارای ناو رزم سطحی فریگیت موشک‌انداز مجهز به بالگرد، ناوهای رزم ساحلی و گشتی و ناوچه موشک‌انداز مجهز به بالگرد، ناوچه گشتی تندرو موشک‌انداز، قایق گشتی تندرو موشک‌انداز، ناوچه‌های جنگ مین (اقدامات متقابل مین)، ناوهای آب‌خاکی و انواع شناورهای پشتیبانی است. (جینز، ۲۰۲۲)

نیروی دریایی امارات با مأموریت پدافند ساحلی شکل گرفت و در ابتدا تنها، توان تأمین امنیت آب‌های سرزمینی و حفاظت از تأسیسات در دریا را داشت. با تغییر سیاست‌های امارات و گسترش فعالیت‌های نظامی این کشور در خارج از خلیج فارس و لزوم حضور فعال‌تر در اقیانوس هند و تنگه باب‌المندب، ابوظبی با علم بر اینکه ناوگان فعلی نیروی دریایی توان کافی برای دستیابی به اهداف تعیین شده را ندارد، توسعه این نیرو را در دستور کار قرارداد.

نیروی دریایی با ۲۵۰۰ نفر، کم‌ترین مقدار نیروی انسانی را در بین قوای مسلح امارات دارد و این درحالی است که تشکیل ناوگانی برای حضور در اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد نیازمند تجهیزات و نیروی انسانی بیشتر است. در دوران جنگ یمن این ضعف نیروی دریایی در پشتیبانی از تأمین تجهیزات و تسلیحات نیروهای اعزامی، توانایی محاصره دریایی یمن و همچنین تأمین امنیت

ناوگان دریایی کاملاً مشخص گردید. در این دوران اکثر قریب به اتفاق پشتیبانی برای نیروی زمینی و هوایی توسط شناورهای نیروی دریایی انجام شد و البته باید در نظر داشت که در اجرای این مأموریت هیچ توان دریایی مستقیماً علیه نیروی دریایی امارات اقدام نمی کرد. (پولاک، ۲۰۲۰)

در سال‌های اخیر تعدادی از ناوچه‌های نیروی دریایی وارد سازمان گارد ساحلی این کشور شده است و نیروی دریایی امارات در حال خرید و ساخت ناوچه‌های بزرگتر است. به نظر می‌رسد این اقدام امارات، نشانه‌ای از سازماندهی مجدد نیرو دریایی این کشور باشد. تأمین امنیت آب‌های سرزمینی و تأسیسات حیاتی بر عهده نیروهای گارد ساحلی است و افزایش استعداد و توان شناورهای گارد ساحلی، ایجاد جک بارج‌ها به عنوان پایگاه شناوری متحرک در دریا و استقرار دائمی در نزدیکی سکوهای نفتی (جک بارج مستقر در نزدیکی سکوی الزورا)، تجهیز سکوهای نفتی و گازی به سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات، خرید پرنده‌های جمع‌آوری اطلاعات با سرنشین (سآب سوئدی) و گشت‌زنی روزانه آن‌ها و جمع‌آوری اطلاعات از عرصه دریا، استقرار منظم ناوهای فراساحل متعلق به گارد ساحلی در محدوده‌های کریدورهای دریایی، الزام تمامی شناورهای تجاری از جمله لنج‌های باری متردد به بنادر اماراتی به نصب تجهیزات کمک ناوبری اعلام موقعیت (AIS) و لزوم نصب نرم‌افزارهای کاربُردی در گوشی تلفن همراه برای درخواست مجوز ورود به بنادر و ... از جمله اقدامات دولت امارات در راستای تأمین امنیت دریایی در سواحل و آب‌های نزدیک است.

شرکت در ائتلاف‌های دریایی با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و آمریکا در منطقه غرب آسیا و میزبانی از ائتلاف دریایی اتحادیه اروپا، مدرنیزه شدن و توسعه ناوگان نیروی دریایی از طریق تدارکات خارجی و کشتی سازی در داخل در جهت ایجاد قابلیت انجام عملیات دریایی و ایفای نقش در سراسر منطقه خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای عربی و دریای سرخ به منظور پشتیبانی از ناوگان تجاری و حضور در اقیانوس‌ها و دریا‌های آزاد از اقدامات دریایی دولت امارات است.

نیروی زمینی امارات متحده عربی

نیروی زمینی امارات شامل ۴۴۰۰۰ نفر نیروی انسانی و متشکل از دو تیپ زرهی، دو تیپ مکانیزه و یک تیپ پیاده و یک تیپ توپخانه و یک گروه مهندسی رزمی است. (میلیتاری

بالانس، ۲۰۲۳) از آنجا که نیروی زمینی بیشترین سهم از پرسنل نظامی نیروهای مسلح امارات را دارد، به شکل سنتی بیشترین برنامه‌ریزی و تدارک را نیز به خود اختصاص می‌دهد. با وجود اینکه نیروی زمینی از تجهیزات پیشرفته‌ای برخوردار است ولی هنوز موفق به جذب کامل آن‌ها در ساختار خود نشده و زنجیره بهره‌برداری از این تجهیزات به‌طور کامل شکل نگرفته است. بسیاری از خریدهای نظامی و طراحی ساختار و سازمان برای ارتش امارات بر مبنای استراتژی غربی و برای ارتش‌هایی با ویژگی غربی طراحی شده است و شرایط اجتماعی و فرهنگی نیروهای اماراتی را در نظر نگرفته‌اند. به‌عنوان نمونه با اینکه یگان‌های شرکت کننده در جنگ یمن از تجهیزات رزمی مدرنی مانند پهپادها و تانک‌های پیشرفته برخوردار بودند ولی گزارشات نشان می‌دهد در زمینه ارتباطات سامانه‌های مورد استفاده، قدیمی و منسوخ بودند و یگان‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند واتس‌آپ و تلفن همراه با یکدیگر در ارتباط بودند. (پولاک، ۲۰۲۰)

اگرچه نیروی زمینی امارات یک نیروی مجهز به حساب می‌آید، اما شدیداً به لحاظ نیروی ماهر، آموزش و پرسنل، وابسته به کشورهای دیگر بوده و از تأثیرات منفی آن رنج می‌برد. این کمبود نیرو باعث می‌شود که عملاً نیروی زمینی امارات ظرفیت‌های لازم برای پیروزی در یک نبرد طاقت‌فرسا و گسترده را نداشته باشد. اماراتی‌ها در یمن نیز متوجه شدند که توانایی لازم برای ادامه جنگ تمام عیار را ندارند و به سازماندهی و استخدام نیروهای شبه‌نظامی و مزدور متصل شدند. هدف از این اقدام کاهش تلفات نیروی انسانی اماراتی بوده است. آمریکایی‌ها نیز در عراق و افغانستان از نیروهای شبهه‌نظامی برای حفاظت از برخی از تأسیسات استفاده می‌کردند، که به‌نظر می‌رسد اماراتی‌ها از این اقدام آمریکایی‌ها الگو گرفتند یا به‌عبارت دیگر افسران طراح آمریکایی این کار را برای اماراتی‌ها انجام دادند. (همان)

براساس گزارشات منتشر شده توسط مستشاران غربی، بسیاری از پُست‌های کلیدی در ارتش امارات عمدتاً توسط غربی‌ها اداره می‌شود و اماراتی‌ها تقریباً تمام امور فقط مجری هستند. تمامی گزارشات مستشاران غربی که با اماراتی‌ها در جنگ‌های مختلف کار کرده‌اند این مطلب را می‌رسانند که نیروهای اماراتی مجریان خوبی برای طرح‌های تهیه‌شده هستند ولی قدرت و خلاقیت و ابتکار لازم برای طرح‌ریزی را ندارند. (همان) وجود مستشاران خارجی در بخش‌های طراحی و برنامه‌ریزی و سطوح بالای ارتش امارات اگرچه می‌تواند موجب انتقال دانش و تجربه

نظامی کشورهای غربی به این ارتش‌ها شود اما مانع جدی برای کسب تجربه و توانمندی اماراتی‌ها در این حوزه‌ها است.

وجود فرهنگ قبیله‌ای و تأثیر آن در سازماندهی نظامی امارات بدین صورت که روابط خانوادگی و وابستگی به شیوخ و حاکمان امارت‌ها یکی از اصلی‌ترین عوامل رشد سازمانی نظامیان است، باعث شده که بسیاری از نیروهای توانمند و با استعداد به سطوح بالای فرماندهی نرسند و بیشتر افرادی که با خاندان سلطنتی رابطه نزدیکی دارند از اعتبار و ارتباط خود استفاده می‌کنند و اغلب سلسله مراتب فرماندهی را دور می‌زنند. خویشاوندی و ارتباطات خانوادگی حتی از درجه و رتبه نیز در ارتش امارات دارای ارزش بیشتری است. اکثر فرماندهان عالی در ارتش کسانی هستند که دارای ارتباطات خانوادگی نزدیک با خاندان‌های سلطنتی هستند. (همان)

امارات در میان کشورهای عربی تنها کشوری است که نیروهای رزمی اعزامی به خارج دارد و آموزش‌های لازم را به این نیروها می‌دهد. این نیروی اعزامی دارای تجربیات رزمی حاصل از حضور جنگ‌های در افغانستان و یمن است. افراد یگان‌های اعزامی از میان بهترین‌های نیروی نظامی انتخاب می‌شوند و به این مأموریت‌ها اعزام می‌گردند. اجرای عملیات موفق حاصل از هماهنگی قدرت آتش و مانور نیروهای اماراتی نشان‌دهنده توانایی نیروی زمینی امارات در یمن و افغانستان بوده است. البته ضعف در نیروی انسانی ماهر در این زمینه نیز اثرات خود را به صورت آشکارا مشخص می‌نماید. در افغانستان امارات هیچگاه بیش از ۲۵۰ نفر نیرو نداشت و در یمن کل نیروها هرگز در اوج خود بیش از ۴۰۰۰ نفر اماراتی نبودند که تعداد سربازان بیش از ۲۰۰۰ نفر نبود. این تعداد کم نیروهای اعزامی نشان از تعداد کم نیروهای با کیفیت در ارتش امارات دارد.

بنابراین امارات برای کاهش تأثیرات عوامل محدودکننده مورد نظر بر اثربخشی نیروی زمینی چهار اقدام اساسی را در دستور کار قرار داده است. ۱- تشکیل هسته‌های کوچک از بهترین و با استعدادترین نیروها با راه‌اندازی ساختار استعدادیابی توسط نیروهای خارجی و آموزش ویژه این نیروها و به تدریج گسترش این هسته‌ها با حفظ کیفیت آن‌ها برای تولید قدرت بیشتر در ضربه‌زدن به دشمنان ۲- ایجاد ساختاری برای اجرای عملیات‌های نظامی با استفاده از نقاط قوت و دوری از نقاط ضعف با تکیه بر مجموعه‌ای از عملیات‌های تهاجمی محدود و عملیات‌های دفاعی ثابت که لازمه آن‌ها برتری در قدرت آتش، نیروی انسانی، فناوری و حتی تسلیحات ویژه برای جبران

کمبردهای اساسی در مانورها، ادغام تسلیحات ترکیبی، افزایش سرعت جریان اطلاعات دقیق و رهبری تاکتیکی منعطف است. ۳- ایجاد خُرده فرهنگ نظامی جداگانه از فرهنگ عمومی این کشور با آموزش نوجوانان اماراتی و تغییر فرهنگ سربازان از سنین کم‌تر در مدارس خاص این کار و استفاده از مکانیزم‌های تشویق و تنبیه برای تغییر فرهنگ ۴- تکیه بر نیروهای خارجی (استفاده از مستشاران، مریان و مزدوران خارجی که فرهنگی جدای از فرهنگ عمومی امارات- دارند). (پولاک، ۲۰۲۰)

همکاری‌های دفاعی و نظامی و عضویت در پیمان‌های نظامی

تشکیل کشور امارات متحده عربی نه به واسطه‌ی انجام فرآیند دولت- ملت‌سازی متداول، بلکه بر مبنای مداخله خارجی صورت گرفته است، بنابراین مؤلفه‌های قدرت یک ملت بودن را برای تأمین امنیت خود ندارد و از زمان اعلام موجودیت در سال ۱۹۷۰م، به‌خوبی دریافته است که به تنهایی قادر به حفظ امنیت و دفاع از تمامیت ارضی خود نیست، از این‌رو، ورود به پیمان‌های دفاعی و نظامی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یکی از سیاست‌های اصلی امارات برای دفاع از خود و حفظ تمامیت ارضی خویش بوده است. در نتیجه امارات نیز همانند سایر پادشاهی‌های کوچک خلیج فارس، مشارکت با کشورهای غربی را به‌عنوان ستون اصلی امنیت خود می‌بیند.

اتکاء به مشارکت‌های امنیتی غرب به تدریج با جاه‌طلبی‌های روبه‌رشد ابوظبی برای ایجاد ارتشی مدرن، به این کشور توقع دستیابی به استقلال استراتژیک را داده است. رُشد سریع امارات به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای مداخله‌گر در چندین بحران منطقه‌ای (افغانستان، لیبی، سوریه و یمن) در دهه گذشته، از نشانه‌های این تغییر است. بدین ترتیب تصویر عمومی امارات به‌عنوان یک اسپارت کوچک- تعبیری که جیمز ماتیس در زمان ریاست بر فرماندهی مرکزی آمریکا برای امارات به کار بُرد- آرزوی این کشور کوچک برای تبدیل شدن به بازیگر امنیتی قدرتمند در منطقه است. (پولاک، ۲۰۲۰)

باوجود همه پیشرفت‌های ارتش امارات در امور نظامی و دفاعی، هنوز در مقایسه با رقبای منطقه‌ای خود به‌ویژه ایران، به مرحله‌ای نرسیده است که قادر باشد به‌طور مستقل امنیت دفاعی و نظامی کشور را برقرار نماید. از این‌رو به‌منظور ایجاد موازنه قدرت با همسایگان، امارات در طرح‌های دفاعی نظامی بسیاری از جمله شورای همکاری خلیج فارس، طرح ابتکاری همکاری

استانبول (گسترش ناتو به خلیج فارس)، ارتش مشترک عربی، تشکیل نیروی دریایی مشترک خلیج فارس، سامانه یکپارچه دفاع موشکی، نیروی سپر جزیره عضو فعال است یا همکاری می‌کند. امارات با آمریکا یک چارچوب همکاری دفاعی را برای توسعه رویکردهای مشترک برای درگیری‌های منطقه‌ای و ارتقاء قابلیت همکاری دوطرفه ایجاد کرده است. بر مبنای این همکاری از اواخر سال ۲۰۲۱م، آمریکا حدود ۳۵۰۰ پرسنل نظامی را در چندین تأسیسات امارات از جمله بندر جبل‌علی (بین دبی و ابوظبی)، پایگاه هوایی الظفره (نزدیک ابوظبی) و تأسیسات دریایی در فجیره مستقر کرده است. بندر جبل‌علی قادر به میزبانی از ناوهای هواپیمابر است و پایگاه هوایی الظفره میزبان انواع هواپیماهای نظامی آمریکا از جمله هواپیماهای نظارتی، سوخت‌گیری و جنگی است. پرسنل نظامی امارات هر ساله از طریق برنامه فروش نظامی خارجی، که از طریق آن امارات تسلیحات ساخت آمریکا خریداری می‌کند و برنامه آموزش و آموزش نظامی بین‌المللی (IMET) در آمریکا تحصیل و آموزش می‌بینند. (Katzman, 2022)

تحولات شکل گرفته در سطح بین‌المللی از جمله سیاست برون‌سپاری مسائل غرب آسیا از سوی آمریکا و توجه بیشتر به شرق آسیا که منجر به کاهش توجه واشنگتن به این منطقه شده است، در کنار تحولات منطقه‌ای همچون بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱م و احساس نگرانی رهبران امارات از افزایش نفوذ و قدرت منطقه ایران به واسطه قدرت محور مقاومت و رویارویی بیش از پیش محور مقاومت با محور عبری-عربی-غربی و روی کار آمدن نسل جدیدی از حکام در امارات با رویکرد تهاجمی، موجب افزایش بیشتر روابط امارات با رژیم صهیونیستی شد و در این میان امارات با هدف موازنه‌سازی قدرت با ایران و نزدیکی بیشتر به آمریکا و غرب به منظور بیشینه سازی امنیت و قدرت خویش، به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تن داد. (مقومی، ۱۴۰۱)

رهبران امارات با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، احتمالاً امیدوار بودند که با آمریکا روابط نزدیک‌تری پیدا کنند و بتوانند به تجهیزات راهبردی همچون هواپیماهای F-35 و پهپادهای مسلح MQ-9 و پرنده جنگ الکترونیک EA-18 (گروئر) دست یابند. (Katzman, 2022)

امارات بر آن است تا از طریق گسترش نقش‌یابی در راهبرد مقابله با تهدید مشترک ایران، ضمن ترسیم جایگاه خود در محور آمریکا- رژیم صهیونیستی، جبهه جدیدی را در برابر ایران ایجاد نماید و در مقابل ایران به بازدارندگی برسد. (پیرمحمدی، ۱۴۰۱)

یافته‌های پژوهش

استراتژی نیروی هوایی امارات و تأثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ایران

از آنجا که استراتژی نظامی امارات توسط غربی‌ها تدوین می‌گردد، می‌توان ادعا کرد که نیروی هوایی امارات محصول استراتژی نبرد هوا-زمین^۱ آمریکایی‌ها در دهه ۹۰ میلادی است. بنابراین امارات به دنبال ایجاد نیروی هوایی قدرتمند و راهبردی به همراه توانایی پشتیبانی از سایر نیروها در عملیات مشترک است تا بتواند با عملیات‌های ترکیبی، از قدرت این نیرو برای پشتیبانی از سایر نیروها بهره‌مند شود.

در حال حاضر امارات با شناخت ضعف‌های خود در نیروی هوایی در استراتژی توانمندسازی این نیرو و تبدیل آن به یک نیروی اثرگذار، تمرکز خود را بر توانمندسازی نیروی انسانی و ایجاد توانایی اجرای عملیات مشترک قرارداده است تا توانایی به کارگیری مؤثرتر تجهیزات پیشرفته این نیرو را داشته باشد. این توانمندسازی از طریق انجام تمرینات و رزمایشات برای خلبانان و ایجاد مراکز شبیه‌سازی و استخدام مستشاران غربی انجام می‌شود. در کنار این اقدامات امارات با پیگیری پروژه‌هایی مانند خرید جنگنده‌های رادارگریز و پنهان کار مانند F-35 و پهپادهای مسلح می‌خواهد توانمندی اجرای عملیات در محیط‌های پُریسک و نبرد هوایی را نیز به دست آورد.

به‌طور کلی می‌توان گفت هدف استراتژی نیروی هوایی امارات حفظ برتری هوایی از طریق تربیت نیروهای ماهر، کسب تجربه شرکت در عملیات و رزمایش‌های بین‌المللی و خرید تجهیزات پیشرفته و به روز است. امارات می‌خواهد از نیروی هوایی خود به‌عنوان عاملی موازنه‌گر در مقابل رقیبان منطقه‌ای بهره‌برد و به نوعی با ایجاد موازنه بتواند ضعف‌های ژئوپلیتیکی خود را در مقابل آن‌ها جبران نماید و قدرت چانه‌زنی و تأثیرگذاری خود را به‌عنوان یک بازیگر فعال منطقه‌ای افزایش دهد.

با توجه به اینکه نیروی هوایی در سازمان نیروهای مسلح هر کشور به‌عنوان یک نیروی راهبردی مطرح است که در صورت برخورداری از سطح توانمندی بالا می‌تواند نقش مؤثری در نبردهای متعارف بازی کند و امارات نیز به‌طور مستمر در تلاش است تا نیروی هوایی خود را قوی‌تر نموده و نقاط ضعف آن را بر طرف نماید.

1. Air Land Battel Fucher

برتری هوایی امارات از نظر تجهیزاتی و کسب توانایی اجرای عملیات مشترک با نیروهای فرمانطقه‌ای و دشمنان جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به عنوان تهدیدی جدی برای ایران باشد و در صورت دستیابی امارات به جنگنده‌های پیشرفته F-35 این تهدید جدی‌تر خواهد شد. این تهدیدات می‌تواند شامل دسترسی به عمق سرزمینی ایران برای ضربه به نقاط ثقل و مراکز حیاتی، نا امن سازی خطوط مواصلاتی، ضربه به عقبه نیروهای نظامی و ... باشد.

استراتژی نیروی پدافند هوایی امارات و تاثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ا

ایران به شدت ذخایر تسلیحاتی خود شامل موشک‌های کروز و بالستیک و پهپادهای تهاجمی را توسعه داده است که همه مخالفان را در سطح منطقه را مجبور کرده است تا سامانه‌های دفاع هوایی‌شان را تقویت نموده و قابلیت‌های هشدار اولیه خود را، از طریق پیوند سامانه‌های پدافندی با همسایگان و امریکا، بهبود دهند. (Kahwaji، ۲۰۲۲)

پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در زمینه موشکی و پهپادی، معادلات مربوط به سامانه دفاع موشکی دشمنانش را برهم زده است. در حال حاضر سامانه پدافندی مؤثری که توان مقابله با موشک‌های بالستیک و کروز هایپر سونیک را داشته باشد نداریم و این قدرت موشکی، توان بازدارندگی ایران را ارتقاء داده است. بنابراین مزیت‌هایی که امریکا و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از برتری در سامانه‌های دفاع هوایی (جنگنده‌ها و سامانه‌های دفاع موشکی سطح به هوا) به دست آورده بودند رو به تحلیل است و امارات برای کند کردن روند این تحلیل توانمندی، به دنبال خرید سامانه‌های پدافند موشکی از رژیم صهیونیستی است تا بتواند توان دفاع موشکی خود را بهبود ببخشد.

امارات می‌خواهد از فرصت توافق ابراهیم برای خرید سامانه‌های پدافندی مدرن رژیم صهیونیستی به‌منظور بهبود دفاع موشکی خود بهره‌بردارد. رژیم صهیونیستی در زمینه ایجاد پدافند موشکی چندلایه تجربیات زیادی دارد. همچنین شرکت‌های اسلحه‌سازی امارات با همکاری با شرکت‌های بین‌المللی و شرکت‌های اسلحه‌سازی رژیم صهیونیستی به‌دنبال بومی‌سازی این سامانه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه سامانه‌های پدافند لیزری به‌منظور مقابله با موشک‌ها هستند.

استراتژی امارات در زمینه پدافند هوایی و موشکی بهبود مستمر سامانه‌های پدافندی با خرید تجهیزات مدرن و به‌روز، بومی‌سازی دانش تولید این سامانه‌ها در کشور و همکاری با کشورهای

همسو در زمینه ایجاد شبکه یکپارچه دفاع موشکی است. در کنار همکاری با قدرت‌های دفاعی جهانی، دسترسی به تسلیحات پدافندی مدرن و به روز این فرصت را برای امارات فراهم آورده است که بتواند لایه‌های پدافندی خود را به صورت مستمر ارتقاء بخشد و با پیشرفت فناوری‌های نظامی این امکان وجود دارد بتواند یک دفاع چندلایه موشکی مؤثر در مقابل توانمندی پهبادی و موشکی ایران ایجاد کند و موجب کم اثر کردن توانمندی راهبردی جمهوری اسلامی در حوزه دفاعی نظامی گردد. از طرف دیگر همکاری با امریکا و رژیم صهیونیستی در راستای ایجاد شبکه یکپارچه پدافند هوایی می‌تواند موجب پیشبرد سیاست‌های امریکا در راستای حفاظت از رژیم صهیونیستی در مقابل توان موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی ایران گردد و توان بازدارندگی ایران را در مقابل رژیم صهیونیستی دچار خدشه نماید.

استراتژی نیروی دریایی امارات و تأثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ا.

وجود بنادر متعدد در خلیج فارس و نزدیکی به تنگه استراتژیک هرمز و همچنین دسترسی مستقیم به دریای عمان مزیت راهبردی برای امارات به وجود آورده است. موقعیت جغرافیایی امارات و طول سواحل این کشور، جایگاه دریا و صنعت دریایی در اقتصاد این کشور و وجود تأسیسات و منابع اقتصادی در دریا باعث شده که امارات توسعه نیروی دریایی را یکی از اولویت‌های خود قرار دهد. با توجه به هدفگذاری امارات برای تبدیل شدن به یکی از بازیگران منطقه‌ای فعال و شرکت در عملیات‌های اعزامی، توان دریایی شرط لازم برای اجرای این سیاست‌ها است. بنابراین امارات برای توسعه نیروی دریایی خود دو هدف را در نظر گرفته است. اولین هدف حفاظت و دفاع از منافع و تأسیسات دریایی امارات در آب‌های نزدیک است و دومین هدف نقش آفرینی نیروی دریایی به عنوان یک نیروی راهبردی در پشتیبانی از منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی امارات در آب‌های دور و دریاها آزاد است.

برای تامین امنیت در آب‌های نزدیک تقویت توان اطلاعاتی و عملیاتی سازمان حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و ساحلی در دستور کار دولت امارات قرار گرفته است و برای نقش آفرینی نیروی دریایی به عنوان یک نیروی راهبردی در آب‌های دور، امارات خرید و همکاری در ساخت ناوها و ناوچه‌های پیشرفته، مدرنیزه شدن و گسترش ناوگان نیروی دریایی از طریق تدارکات خارجی و کشتی سازی در داخل در جهت ایجاد قابلیت انجام عملیات و ایفای نقش در سراسر

منطقه خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای عربی و دریای سرخ، افزایش توان و قدرت دریایی به منظور پشتیبانی از ناوگان تجاری و حضور در اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد را در برنامه توسعه نیروی دریایی قرار داده است.

در کنار دو راهبرد اصلی خرید و ساخت تجهیزات دریایی، امارات اقداماتی را در هر دو حوزه آب‌های نزدیک و دور برای جبران ضعف‌های ژئوپلیتیکی در نظر گرفته است که از جمله می‌توان به استفاده از فناوری‌های نوین و تولید تجهیزات بدون سرنشین کشف، شناسایی و خنثی‌سازی مین‌های دریایی به منظور جبران کمبود ناوهای مین‌روب و تجهیزات اقدامات مقابله‌ای جنگ مین، مشارکت با رژیم صهیونیستی در تولید شناورهای بدون سرنشین هوشمند برای جبران کمبود نیروی انسانی، تنوع بخشی به منابع خرید تسلیحات و تجهیزات، بومی‌سازی و انتقال دانش و فناوری تولید سلاح و تجهیزات دریایی به داخل کشور، برگزاری رزمایش و تمرینات شناورهای بدون سرنشین با آمریکا در منطقه خلیج فارس اشاره نمود.

نیروی دریایی امارات با وجود همه ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های آن، در حال گسترش نقش خود در زمینه ایجاد قابلیت انجام عملیات در سراسر منطقه خلیج فارس، اقیانوس هند، دریای عربی و دریای سرخ است. این نیروی دریایی در حال مدرن‌شدن و گسترش ناوگان دریایی خود از طریق تدارکات خارجی و کشتی‌سازی‌های داخلی است. تلاش مشترک با کشورهای غربی مانند فرانسه برای ساخت ناوچه‌هایی مانند کلاس بینونه نشان‌دهنده تمرکز بر تقویت و نگاه به تهدیدات دریایی مرسوم است.

افزایش توان نیروی دریایی امارات و دستیابی و نیروی دریایی قدرتمند با قابلیت نقش آفرینی در منطقه غرب آسیا می‌تواند باعث افزایش قدرت چانه‌زنی امارات در عرصه سیاسی شود. نیروی دریایی قدرتمند می‌تواند امنیت ناوگان تجاری امارات را در منطقه تأمین نماید و در پازل قدرت دریایی آمریکا در منطقه غرب آسیا نقش فعالی داشته باشد و حمایت این قدرت جهانی را بیش از پیش به همراه داشته باشد. توانایی قدرت افکنی دریایی امارات در منطقه غرب آسیا می‌تواند موجب ایجاد موازنه قدرت دریایی با جمهوری اسلامی ایران و کاهش تأثیر تسلط ایران بر تنگه راهبردی هرمز در مقابله با امارات و تنزل جایگاه جمهوری اسلامی در ترتیبات امنیتی در این منطقه گردد.

استراتژی نیروی زمینی امارات و تأثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ا.

از آنجا که کشورهای ذره‌ای خلیج فارس در تأمین نیروی انسانی برای نیروهای مسلح دچار چالش‌های اساسی هستند و فاقد ظرفیت‌های لازم برای ایجاد یک نیروی دارای توانمندی دفاع همه‌جانبه هستند، در نتیجه برای جبران این ضعف، بر تأمین تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته دفاعی تأکید دارند. به نظر می‌رسد نیروی زمینی ارتش امارات به گونه‌ای طراحی شده است که به‌عنوان یک عامل ایجاد تأخیر در تهاجم دشمن، برای مدت کوتاهی تا رسیدن کمک‌های خارجی از سوی کشورهای همپیمان مقاومت نماید. این نیرو با توجه به دارا بودن ادوات زرهی خریداری شده از غرب و توپخانه خودکشی و سایر تجهیزات مدرن، توانایی بیشتری نسبت به سایر کشورهای عربی در دفاع از سرزمین خود در مقابل عملیات هجومی دشمن را دارد. البته طول زیاد سواحل و نوع پراکندگی جغرافیایی در این کشور و نبود استحکامات دفاعی کافی در همه سواحل و مرزهای زمینی از نقاط ضعف این کشور در دفاع است.

امارات به‌دنبال تقویت نیروی زمینی با استفاده از تشکیل یگان‌های کوچک متحرک و چابک است. هدف امارات دستیابی به نیروی‌های پیش‌استقرار توانمند با توجه به سیاست‌های دخالت ابوظبی در بحران‌های منطقه‌ای است. عملکرد سال‌های اخیر رهبران نظامی امارات هم‌نشان می‌دهد که آن‌ها به‌دنبال شناسایی نیروهای نخبه نظامی در سطح یگان‌ها و تشکیل گروه‌های توانمند اعزامی بوده‌اند. امارات برای افزایش تعداد نیروی انسانی با کیفیت اقدام به تاسیس مدارس برای آموزش از سنین نوجوانی و اجباری نمودن خدمت سربازی برای شناسایی نیروهای با استعداد را در برنامه‌های نظامی این کشور قرار داده است.

سرمایه‌گذاری بر روی تشکیل هسته‌های کوچک و توانمند و در عین حال چابک در نیروی زمینی و برنامه ریزی برای توسعه آن‌ها و تجهیز آن‌ها به سلاح‌ها مدرن می‌تواند موجب افزایش قدرت نیروی زمینی در عین کوچک بودن آن باشد. اثر بخشی نیروی زمینی با استفاده از برتری در قدرت آتش، مانور، فناوری، فرماندهی و کنترل، اطلاعات و کیفیت نیروی انسانی می‌تواند دست برتر در مقابله با دشمنان در سطوح تاکتیکی و عملیاتی را برای امارات به همراه داشته باشد.

توسعه نیروی زمینی به شکلی که امارات در نظر دارد برای استفاده از این نیرو به‌عنوان یک سلاح مؤثر در نقش آفرینی سیاسی امارات در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. نیروی زمینی

امارات اگرچه در حال حاضر توان مقابله مستقیم با ایران را ندارد اما می‌تواند به عنوان نیروی چابک، سبک، آموزش دیده و با کیفیت علیه نیروهای متحد جمهوری اسلامی در کشورهای مورد رقابت وارد عمل شده و بدین ترتیب مؤلفه‌های قدرت ایران در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. توان اجرای جنگ‌های نیابتی در مناطق خاکستری و کشورهای محور مقاومت با استفاده از نیروهای اعزامی با تجربه و دارای تجهیزات پیشرفته به منظور مقابله با نفوذ ایران، توانایی اجرای عملیات‌های ویژه و خرابکارانه منافع ایران در خلیج فارس و ... از جمله اقداماتی است که نیروی زمینی امارات توان انجام آن‌ها را دارد.

استراتژی همکاری دفاعی و نظامی و عضویت در پیمان‌های نظامی امارات و تأثیر آن بر امنیت دفاعی ج.ا.ا.

برآوردهای راهبردی موجود از استراتژی آمریکا در خلیج فارس بیانگر آن است که این کشور در چارچوب دکترین مهار و با هدف فعال کردن ظرفیت‌های منطقه‌ای علیه سیاست‌های ایران، استراتژی تشکیل و تقویت ائتلاف‌های نظامی و امنیتی را در دستور کار قرار داده است. فروش تسلیحات نظامی غربی به‌ویژه در زمینه تقویت سامانه‌های تهاجمی هوایی و پدافندی به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌شکل بسیار گسترده نسبت به قبل نیز در همین راستا صورت می‌گیرد. امارات نیز با شناخت درست سیاست‌های آمریکا در منطقه تلاش می‌کند از این ظرفیت در راستای دستیابی به استقلال استراتژیک و تبدیل شدن به بازیگر فعال و اثرگذار در معادلات منطقه‌ای بهره‌برداری کند.

وجود پایگاه‌های نظامی کشورهای غربی در امارات موجب حضور نیروهای نظامی این کشورها در جوار مرزی ج.ا.ا. ایران و در منطقه می‌گردد. پرواز پرنده‌های شناسایی به صورت مستمر و روزانه در نزدیکی مرز کشورمان و جمع‌آوری مستمر اطلاعات تا عمق خاک کشور با استفاده از سامانه‌های جمع‌آوری اطلاعات منصوب بر روی این پرنده‌ها موجب ایجاد اشراف اطلاعاتی نسبت به تحرکات نظامی در داخل کشور می‌گردد. از طرفی حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس موجب غیربومی نمودن امنیت منطقه شده و احتمال بروز تنش میان ایران با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را افزایش می‌دهد.

با عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی، زمینه لازم برای حضور این رژیم غاصب در خلیج فارس را فراهم شده است. بدین ترتیب، رژیم صهیونیستی با افزایش سطح روابط دفاعی و نظامی و تقویت نظامی امارات و تجهیز آن به انواع سامانه‌های جمع آوری اطلاعات، از این کشور به‌عنوان یک پایگاه نظامی علیه ایران استفاده نمود و به بهره‌برداری احتمالی از ظرفیت‌های اطلاعاتی و مراقبت و شناسایی برای جمع آوری اخبار و اطلاعات از ایران خواهد پرداخت و در ضمن دست این رژیم برای انجام هرگونه عملیات ویژه نظامی علیه مراکز پهپادی، موشکی و هسته‌ای ایران بازتر می‌گردد. بنابراین پیامد عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی تشدید دامنه‌ناامنی و فعالیت‌های جاسوسی رژیم علیه ایران در منطقه خلیج فارس است. البته در کنار پیامدهای امنیتی ناشی از حضور رژیم صهیونیستی در امارات می‌توان به پیامدهای اقتصادی به صورت کاهش مبادلات تجاری میان ایران و امارات اشاره نمود.

خرید تسلیحات نظامی مدرن توسط امارات و جذب آن‌ها در ارتش این کشور که به واسطه همکاری‌های دفاعی نظامی با قدرت‌های غربی صورت گرفته است موجب گردیده که ایران نیز برای حفظ توازن قوا بر روی قدرت دفاعی خود سرمایه‌گذاری نماید و با توجه به تفاوت در توانایی اقتصادی دو کشور این رقابت تسلیحاتی موجب وارد آوردن فشار به اقتصاد در حال تحریم ایران می‌گردد.

نتیجه‌گیری

امارات از سال ۲۰۱۰م راهبرد موازنه استراتژیک را در مقابل ایران کنار گذاشت و رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی را در پیش گرفت. هدف این رویکرد جدید تقویت توان نظامی در مقابل تهران و استفاده مؤثر از نیروی نظامی به‌منظور مهار نفوذ منطقه‌ای ایران است. این تغییر راهبرد در قبال جمهوری اسلامی و قراردادن ایران به‌عنوان دشمن اول منطقه‌ای امارات، باعث شد که تمامی خریدهای تسلیحاتی امارات که تا آن زمان بیشتر بر اساس میزان منابع مالی در دسترس، میل به کسب وجهه، گرایش به دریافت تسلیحات پیشرفته، خرید تسلیحات به‌منظور حفظ روابط حسنه با غرب برای جلب حمایت‌های لازم در حفظ حکومت بود، تغییر نماید و این تسلیحات با هدف مقابله با تهدید ایران باشد.

با اینکه از ابتدا، استراتژی امارات در تأمین امنیت نظامی، برون سپاری امنیت و وابستگی به قدرت‌های بزرگ بوده است، اما استفاده از مستشاران خارجی به‌ویژه غربی در سطوح بالای نظامی، صرف هزینه‌های گزاف برای ارزیابی نیروهای مسلح توسط مؤسسات و دانشگاه‌های مطرح بین‌المللی، حضور در عملیات‌های بین‌المللی در کنار قدرت‌های نظامی بین‌المللی و انجام تمرینات آفندی، تقویت توان اطلاعاتی با خرید تجهیزات و جذب عناصر اطلاعاتی سرویس‌های غربی و صهیونیستی برای آموزش، نزدیکی به دشمنان اصلی و هویتی جمهوری اسلامی، انجام اقدامات اساسی در راستای برطرف نمودن ضعف‌های راهبردی ارتش و سرمایه‌گذاری کلان در زمینه بکارگیری فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی، همگی نشانه‌های تغییر استراتژی نظامی امارات از حالت پدافندی به حالت آفندی برای توسعه نفوذ خود در منطقه و ایفای نقش فراتر از هویت و جایگاه واقعی خود در عرصه منطقه و نظام بین‌الملل و تبدیل شدن به قدرت اول نظامی در منطقه خلیج فارس است.

بنابراین امارات با تعیین این چشم‌انداز که از نظر قدرت نظامی در منطقه خلیج فارس قدرت اول باشد و بتواند از این قدرت افکنی نظامی در دستیابی به اهداف سیاسی در منطقه غرب آسیا استفاده کند برنامه‌های توسعه نظامی خود را تدوین کرده است. هدفگذاری نظامی امارات دستیابی به ارتشی چابک و توانمند در عین کوچک‌بودن است. لقبی که فرمانده وقت سنتکام به آن‌ها داده است: اسپارت کوچک. امارات با استفاده از مستشاران نظامی غربی و مؤسسات نظامی معتبر بین‌المللی به صورت مستمر وضع موجود توان نظامی خود را ارزیابی می‌کند تهدیدات آینده را شناسایی می‌کند و با اجرای برنامه‌های منسجم در جهت برطرف کردن تمامی نقاط ضعف اساسی گام برمی‌دارد. سرمایه‌گذاری در شناسایی ظرفیت‌های نوین حاصل از بکارگیری فناوری به‌ویژه هوش مصنوعی به‌منظور دستیابی به نیروی نظامی کارآمد، مسیری است که اماراتی‌ها در حال پیمودن آن هستند.

اقدامات نظامی امارات مانند سرمایه‌گذاری در زمینه فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی، کسب توانایی مدیریت استراتژیک و استاندارد سازی آموزش، توانمندسازی نیروی انسانی و ایجاد سرمایه انسانی، خرید تجهیزات مدرن مورد نیاز، بومی سازی تولید تسلیحات نظامی و ایجاد توان

صادرات تسلیحات در منطقه، شرکت در ماموریت‌های بین‌المللی، به منظور دستیابی به اهداف تعیین شده در استراتژی‌های نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و پدافند هوایی است. استراتژی نظامی امارات کاملاً بر مبنای دکترین و سیاست‌های نظامی غربی به‌ویژه آمریکا بنا نهاده شده است و در تلاش است در راستای افزایش روزافزون قدرت نیروهای مسلح با به‌کارگیری همه منابع و ظرفیت‌های موجود به‌منظور ایفای نقش اثرگذار در سیاست‌های منطقه‌ای، نیروهای نظامی این کشور را به یک ارتش مدرن کارآمد تبدیل نماید.

امارت پس از عدم موفقیت در مقابل ایران در جبهه‌های مختلف به این نتیجه رسیده است که برای در پیش گرفتن رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی در مقابل ایران توان کافی را ندارد بنابراین مجدداً به سیاست حصار استراتژیک در مقابل تهران روی آورده است اما تقویت روزافزون توان نظامی همچنان در دستور کار قرار دارد. افزایش توان نظامی امارات متحده عربی با توجه به سیاستی که این کشور در استفاده از نیروی نظامی خود در سیاست خارجی دارد باعث مقابله با قدرت نفوذ ایران و افزایش قدرت چانه‌زنی این کشور در مقابل جمهوری اسلامی ایران می‌گردد و این موضوع بر رابطه امارات با جمهوری اسلامی در همه حوزه‌ها اثر خواهد گذاشت. از آنجا که امارات برای جمهوری اسلامی حلقه اتصال اقتصاد تحریمی این کشور به اقتصاد بین‌المللی است اگر امارات موفق به ایجاد موازنه در مقابل ایران شود دیگر از سیاست حصار استراتژیک و فضا دادن به ایران دست خواهد برداشت نقش پُرنسنگ یک دشمن منطقه‌ای را برای ایران ایفا خواهد نمود که این امر می‌تواند برای کشور هزینه‌های زیادی داشته باشد و از طرفی در صورت بروز هرگونه بحران و تنش ایران با کشورهای فرامنطقه‌ای، امارات می‌تواند نقش فعالی در همکاری با دشمنان ایران ایفا نماید.

راهکارهای پیشنهادی

- ۱- جلب اعتماد و مشارکت کشورهای منطقه‌ای از جمله امارات برای بومی‌سازی امنیت در منطقه خلیج فارس؛
- ۲- افزایش مراودات اقتصادی با کشور امارات و تامین نیازمندی‌های بازارهای تجاری امارات به منظور گسترش مراودات و نزدیکی دو کشور به یکدیگر؛
- ۳- اطمینان بخشی و تنش‌زدایی در روابط با حاکمان امارات از طریق دیپلماسی فعال منطقه‌ای؛

- ۴- افزایش تراز قدرت دریای ایران و سیادت دریایی بر پهنه آب‌های منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به منظور تامین منافع ملی؛
- ۵- توسعه حضور دریایی جبهه مقاومت در دریای مدیترانه و دریای سرخ برای مقابله با تسلط احتمالی دریایی امارات در تنگه باب‌المنندب؛
- ۶- هزینه‌سازی برای حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس به منظور اخراج امریکا از منطقه؛

فهرست منابع

- ازغندی علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۹۸)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات سمت.
- باقری حسین و روح‌الله رستمی (۱۳۹۳)، توانمندی نظامی امارات عربی متحده و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ا، سال سیزدهم، شماره ۷۷، تهران - فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی
- پیرمحمدی سعید، طاهر طاهری و ابوالقاسم باباتبارسرخ (۱۴۰۱)، تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ، سال ۱۵، شماره ۵۴، تهران - فصلنامه آفاق امنیت.
- چگینی حسن (۱۳۸۲)، نظام مدیریت استراتژیک دفاعی، جلد اول، تهران - نشر آجا.
- چگینی حسن (۱۳۸۴)، نظام مدیریت استراتژیک دفاعی، جلد دوم، تهران - نشر آجا.
- حیدرخانی صادق (۱۳۷۲)، اصول و مفاهیم صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی «سیاست و دکترین دفاعی و استراتژی نظامی»، سال اول، شماره ۱، تهران - مطالعات راهبردی بسیج.
- رستمی محسن، محمدرضا محمدی و احسان رعنائی (۱۳۹۹)، تحلیل سیاست خارجی امارات متحده در قبال ایران در چارچوب نظری حصار استراتژیک، سال دوم، شماره ۵، تهران - مجله دانش تفسیر سیاسی.
- زمانی محسن، سیدامیر نیاکویی (۱۳۹۸)، واکاوی عوامل مؤثر بر خروج ایالات متحده آمریکا از برجام، سال دوازدهم، شماره ۴۵، تهران - فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل.
- سیمبر رضا، دانیال رضاپور و صدیقه آذین (۱۴۰۰)، سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، شماره ۶، تهران - نشریه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام.
- شهبازی ناصر (۱۳۸۶)، مدیریت استراتژیک در نیروهای مسلح، تهران - انتشارات دافوس ارتش.
- طباطبایی سیدعلی و علی محمودی (۱۳۸۹)، تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تهران - فصلنامه راهبرد.
- غلام‌نیا هادی و سعید پیرمحمدی (۱۳۹۷)، تغییر رهبری و تحول در راهبرد منطقه ای امارات متحده عربی (۲۰۲۰-۲۰۱۴)، سال یازدهم، شماره ۴۴؛ تهران - فصلنامه روابط خارجی.
- غلام‌نیا هادی و سعید پیرمحمدی (۱۳۹۹)، تحول در سیاست منطقه ای امارات متحده عربی، رهیافت محمد بن زاید، سال سیزدهم، شماره ۴۹، تهران - فصلنامه آفاق امنیت.
- لطفیان سعیده (۱۳۸۴)، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ چهارم، تهران - انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمدنژاد علی و محمدتقی نوروزی (۱۳۷۸)، فرهنگ استراتژی (استراتژی نظامی - اصطلاح‌ها و تعبیرها)، تهران - نشر سنا.
- هادی مراد پیری و امیر مشتاقی (۱۳۹۹)، تهدیدات نظامی امارات متحده عربی و ملاحظات امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی ایران، دوره ۶، شماره ۴، تهران - فصلنامه علمی دفاع مقدس.
- هدایتی، محمدرضا (۱۴۰۳)، «استراتژی نظامی ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ»، تهران - انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مشیرزاده حمیرا(۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران - انتشارات سمت.
 مقومی امیررضا و مهدی جاودانی‌مقدم(۱۴۰۱)، واکاوی علل و انگیزه‌های امارات متحده عربی در عادی‌سازی
 روابط با رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، سال پانزدهم، شماره ۵۵،
 تهران - فصلنامه آفاق امنیت.

نیک‌بخش حبیبی(۱۳۸۵)، تدوین استراتژی نظامی در عصر اطلاعات، شماره ششم، تهران - مجله علوم و فنون
 نظامی.

Abdullah Toukan and Anthony H. Cordesman,(2009) GCC - Iran:Operational Analysis of Air,
 SAM and TBM Forces, CSIC.

Ayman El-Dessouki and Ola Rafik Mansour,(2018), Small states and strategic hedging: the
 United Arab Emirates' policy towards Iran, Review of Economics and Political Science
 Emerald Publishing Limited.

Hertz J. H.(1950): "Idealist Internationalism And the Security Delimma World Politics". Vol
 2, No 2, January 1950, pp 157-180.

KENNETH. M. POLLACK,(2020), "Sizing Up Little Sparta: UNDERSTANDING UAE
 MILITARY EFFECTIVENESS, Technical Report October 2020.

Katzman, Kenneth(2022), "The United Arab Emirates(UAE): Issues for U.S. Policy",
 Congressional Research Service, 2022.

Mohammad Salim Al-Rawashdeh(2019), "Arab National Security (Dimensions, Perceptions,
 Challenges, Risks and Future Strategy)", Research Gate, 2019.

David B. Roberts,(?), "Bucking the Trend: The UAE and the Development of Military
 Capabilities in the Arab World, Security Studies, ISSN: 0963-6412 (Print) 1556-1852

Melissa Dalton and Hijab Shah, Evolving UAE Military and Foreign Security Cooperation:
 Path Toward Military Professionalism, Carnegie Middle East Centre, 2021

The Military Balance 2022, The International Institute for Strategic Studies (IISS), Published
 February 14,2022 by Routledge, ISBN 9780367466398

The Military Balance 2023, The International Institute for Strategic Studies (IISS),
 Published,2023 by Routledge.

